

پیام کارگر



سال چهارم نیمه اول تیر ۱۳۶۹

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

ارگان کمیته خارج از کشور

فاجعه زلزله در ایران

فلاکتی بیمانند را، شب و روز، چون یک کابوس هول‌انگیز بالای سر خود لمس می‌کنند. این یک چنین شرایطی، می‌توان حس کرد که دهن گشودن زمین و تخریب ساختن - نه‌آید. بهره از کوچکترین ضوابط ایمنی ضد زلزله، را می‌تواند بی‌ار بود. در همه حال، موانع‌های طبیعی، البته نتایج شومی به دنبال دارند، ولی در ایران امروز، زلزله‌های به شدت ۷/۲ ریشتر، با آن ساختمان‌های بی‌بنیاد، تحت حاکمیتی چنین تبه‌کار، ابعاد فاجعه را بسیار غم‌انگیز و امکان‌ترسیم خرابیها، مداوای مجروحان و کمک‌رسانی به مردمی که همه هستیشان را از دست داده‌اند، بسیار ناچیزتر می‌کند. واکش‌های اولیه زیرکانه میزان تلفات را اندک‌انداز می‌کند. افکار عمومی در ایران و جهان‌راژ دامنه وسیع خرابیها و تلفات انسانی، دروغ‌ت و ناگهانی نگه می‌دارد، خود گویای بسیار چیزها ست و اول از همه آنجنان آملی در ایران هیچ‌نهایی ندارد. «ساحه» شوپرا، آزمون الهی تلقی کردن، بیش‌از پیش به یک سطح ملی و بین‌المللی را برای کمک به آسیب دیدگان، از دستور وظایف مرم خارج می‌سازد. و آنچه که بتدریج و ناگزیر، ارتقا تلفات را با حدود تقریبی اعلام می‌کند، در پیش‌بینی و سازماندهی کمک از داخل و خارج، تعادل و سستی می‌کند و بیش از آن، زلزله، خود زمینه اوج‌گیری تلاش‌های تازمتری برای درگیری جناح‌های متخاصم می‌سازد. جناح حزب الله برای آنکه دست رئیس جمهوری و جناح مخالف را در پوست گردو بگذارد، ایران و مردم صمیمیت

بقیه در صفحه ۲

و امکان کمک مستقیم به آسیب دیدگان این واقعه را نداریم، با تاسفی جز ناگزیرتر و اندوهی تلخ‌تر همراه است. بویژه آنکه، این فاجعه سرزمینی رخ داده است که مردم آن طی ۱۲ سال اخیر، تحت سلطه رژیمی جناب و سفاک و مرتجع همه هست و نیستشان به بی‌طرفانه و گروه گروه از فرزندان‌شان یا در جنگی تباها و مخسوار کشته و معلول شده و یا به جوخه‌های اعلام سپرده‌شده‌اند. و آنها که هنوز رمقی در جان دارند سایه شوم فیسرو

بازتابها و وظایف ما

رویداد غم‌انگیز زلزله در شمال و شمال غربی ایران که از نظر شدت و گستره در صد سال اخیر در کشور ما بی‌سابقه بوده و صدمات و تلفات جانی و مالی وسیعی به بار آورده است، برای ما که در خارج از کشور می‌زیسیم



زلزله زردگان را یاری کنیم

ایرانیان خارج از کشور
درتلاش برای یاری به زلزله‌زدگان

گیلان و زنجان دچار خشم طبیعت شدند. این مناطق زرخیز و آباد کشور که از صدمات جنگ ویرانگر فقها کترین آسیب رانیده در زمره مناطق تا مین کننده نیازهای کشور بودند، در هم کوبیده شدند و این برای مملکتی که در فلات واقعی بسو میرسد جریان ناپذیر است اما بیش از آن، چه چیزی می‌تواند از دست دادن عزیزان مردم زحمتکش این مناطق را جبران کند. هم‌مدتی و یاری ما شاید مرمح ناچیزی باشد در زخم‌های عمیق این مردم یلادیده.

در صفحه ۳ بخشی از اقدامات انجام شده توسط ایرانیان مقیم خارج کشور و نیروهای مترقی و انسان‌دوست خارجی را در کمک به هموطنان زلزله‌زده ملاحظه می‌کنید.

چنددهه مبارزه

گفتگویی رودررو با رضامرزبان

(قسمت سوم) در صفحه ۶

در این شماره

درج‌مخ‌جنبش‌های سیاسی

از لویونددیلماتیک در صفحه ۱۲

تظاهرات زنان آلمانی در بن

یاد از میرزاده عشقی در صفحه ۹

"مهرداد کوکی" کیست در صفحه ۵

در صفحه ۱۱

فاجعه زلزله ...

اداما زلزله ۱

زده مناطق زلزله زده را بنابرناز کل بین المللی نشان میدهد تا به زمان ویرانی بیشتر و مرگ و فلاکت بیشتر راه هر کوه ناور را بر روی دولت بندهند برای آنکه، اما اخذ کمک از خارج، زمینه ساز نزدیکی با برخی از دولت های غربی گردد، روزنامه های جمهوری اسلامی و کیهان جنگ و دندان نشان میهند، روزنامه جمهوری اسلامی میونس، مردم بلادیدناز زیر آوار، فریاد مرگ امیرالیسم سرخوفاوند داد، روزنامه کیهان همدلی دولتهای غربی را لشک تصاح ریختن، قلعداد میهند برای پیشگان خارجی که به تصعدمداوی مجروحان اعلام آمادگی برای سفر به ایران میکنند، سخت گیری میشود و به خونهای اهدایی به بهانه اینکه آلوده به میکرب "ایزد" است، نه میگویند، و به سگهای تجسس برای نجات مردم زنده در زیر آوار، انگ نمایی زده میشود، در مقابل رفسنجایی، که نیت حریف را دریافته است، خطاب به آنها میگوید: آنها که در خانههای دارای کولر زندگی میکنند و مشاعرهای بی محتوا داده و ما را بی نیاز از کفکهای بین المللی نشان میدهند "جمهوری کفکهای هستند که ووزر میکنند"، روزنامه کیهان انگلیسی، که سخنگوی وزارت امور خارجه است میونسد، "طبوعات ایران به علت اعمال غیر سولوانه آزادی بیان، توانستند سراسرجهان را دشمن ایران کنندو هنوزاین کار است برنداشتنه و ایران تقریبا از تمام دنیا منزوی شده است"، البته با... نگر است، که مانند همه موارد دیگر، منافع مردم، لگدمال سمیحت و نبرد قدرت در میان حکومتگران شده است. از این روز، افتار عمومی غربیبا، با زسنایکه از قبل و به علت سرکوب آزادیها و عمو انهایماهی وسیع در ایران دارند، حساسیت و علاقه مند، قایل توجیه برای یاری به زلزله زدهها از خود نشان نمیدهند، بعنوان یک مثال کویسا گفتنی است، که طبق گزارش تلویزیون فرانسه، طی بلهفته پس از اعلام شماره حساب از طرف صلیب سرخ فرانسه، تنها ۷ نفر به این حساب بانکی پول واریز کردند، و مطابق کنید، این نوع رغبت مردم کشورهای غربی را با همدلی و همکاری وسیع بین المللی والی آنها به مردم آسیب دیده از زلزله در ارمنستان شوروی در سال قبل از این جهت ضروری است کمکهای سازمان ما و همه نیروهای دیگر است و آزادیخواه در روشنگری افکار عمومی غربی بگویند و ضمن افشای سیاهی کورین رژیم قفا، و جهان ترقیخواه، مردم را به مساعدت به مردم ایران، در همه زمینها، و بیوسرته در وضعیت کونی در جلب کمکهای متنوع به آسیب دیدگان زلزله اخیر، برانگیزاند.

امان رابطه با واکنش ایرانیان در خارج از کشور باید گفت، هرچند بیان واکنش با اندوو نامتشخصد همراه بود، ولی بنلیل ضعف سازمانی چنین دفاعی و دیوارکلی خارج و نیز بخاطر تفرقه در صف نیروهای ساز و انقلابی حضور نگزشتیای نظم و سفتا منظم در میان سرخسی از فعالین سیاسی، یک نهضت قدرتمند که نتواند طسطف وسیع مهاجرین را در امر کمکسانی فعال کند، مانعانه یا نگرته، لیکن در سطح تشکلهای پراکنده در شهر های مختلف، آنچه که مانند همین کشورها با بارهم محدودتر نبود، فغان یک دید روشن سیاسی در نزد بارهای ازبیرو هاست که منجر به عدم همکاری با این کمکهای اسداد گردید، طسطف، متلاسرورهای وابسته به سازمان چریکهای فدایی خلق فرزانگورت و اسنکهم از سازماندهی یک کمیته اسداد فرآوربر ساز و زمانه اسنادل آنها ایست

پیام کارگر



Organisation of Revolutionary Workers of Iran (Rah-e Kargar) DRW

۲۸ آذر ۱۳۶۹
شماره ۶۹

به آقای خاوری برز و دیگران
دبیرکل سازمان ملل متحد

عالمجناب

بگفته از جامعه ای که جان دهبها از مرز دیکشورها را گرفت محدودین بسیار چراگفتار دومدهها از نرفرا بی خانمان گرمگنفره، مردم همسیت زده کشور ما در چنین شرایط سخت و غیر قابل تحمل احتیاج به یاری و پشتیبانی بین المللی وسیع دارند، متأسفانه طی یک هفته من از جامعه سازمان ملل و کمیته حمایت از جانب کشورهای مختلف مردم و سازمانهای مربوطه متأسفانه با اسامی دین فاجعه همدم است، همین آرزو هر چه این امر به دلیل ساهاکارهای رژیم حاکم ایران است که سمای کشور ما را از داخل عمومی بین المللی تشریه و موجبات آس و آسای کشور ما را فراهم کرده است، و نتایج آن امروزه بدترین شکل مردم همسیت زده را تحت حمایت قرار داده است.

عالمجناب

ما از شما سخواهی که برای ایران دان به مردم ایران و بشن آرزو که تاکنون انجام داده اند، در این باره به حالت نمادین مردم کشورهای مختلف سازمانهای اجتماعی و اما دی آنها با حق به دولت ایران اعتماد نندارند و از امور و تکملر سیاسی ترمیم کنند، نقش سازمان ملل و بخشهای عملی در مورد با فتن راههای نظارت بر سرحدین کمکها به مردم در دهان تخمیس مردم و سازمانهای کشورهای مختلف در این مورد بسیار کارگزار است. ما مسودار به کمک شما سازمان ملل متحد در این مرحله سخت و تنگنا میباشیم بین المللی برای حمایت از زلزله زدهگان ایران و نظارت بر نحوه باز سال این کمکها را با تکامل موفقت به انجام برساند.

با احترامات ناخفته

دبیر خاتمه سازمان کارگران انقلابی ایران
(راما کارگر)

ارسال کمکهای جمع آوری شده نباید از طریق مراجع ذیصلاح بین المللی به ایران ارسال شود، آنها این امر را کمک به جمهوری اسلامی تلقی میکنند، بجای آن، پیشنهاد میکند که کمکها مستقیما از طرف خودشان و از کانالهایی که میباشند باید صورت گیرد، روشن است که چنین شیوهی از کمک - رساندن هرگز نتواند مقصود است، یعنی فاقد آنجسبان ضوابط و معیارهای مستقنی است که نتواند طیف وسیعی را به همکاری همیاری جلب کند، چه در اینبوت، هر کس گمان میکند میتواند، به نوعی، با کسانی در ایران، تماس گرفته و کمکها را به آنها ارائه نماید، در این حال زمینه را برای انواع شیعات در اذهان عمومی آماده میکند و این امر به نفع باری رساندن به زلزله زدهگان نیست، آنها - بی که مایل هستند در این امر انسانی شرکت کنند، در همان حال، در زمینه انتقال درست و بی نقص کمکها نیز هستند و این امر، جز از طریق مجامع بین المللی مقنن نیست، البته ما مخالف تصمیمی لازم از جانب این مجامع، کسبه کمکهای حاصله را خود راسا در ایران بدمت آسیب دیدگان زلزله نمیساند، بنسبت، بلکه همه تلاشهای مقنن در این راستا ضروری میباشیم، صورت مضطوب شدت در مانده اسنادل اما از آن وابستگان اتحادیه کمونیستهاست - عاصری که اگر تا دیروز در اتحادیه کمونیست و شورویها ارتجا بی دست و پا میزدند، امروز از ماس لبرالی، بالهضای چنین آفر خود را از این بیان عرضه میکنند که گویا کمک به زلزله زدهگان لااقل در این راه، تفاوتی با کارگردها و جوانان رژیم اسلامی ندارد، آنها به برخی از فعالین کمکتهای اسداد، گفتند که لیبی "پاسداران را" میسود، یعنی، حرف آقایان اینست که بگذارید انبوه وسیع آسیب دیدگان همچنان، در گرداب سی سربزهای وارد، درج سربزخون در آن صورت، لاند، "انقلاب" مورد نظر اینان زودتر به ثمر میرسد - این صورت نیست اسنادل کسانی است که در غربت بیروملل حاوش کردو بیان باختنازند، از اینها کمکگریم، از طیف

دیگری نیز باید ناامیریم، کجاست غمار کورنی را، محطسی برای چشظندن به جمهوری اسلامی ساختند، آنها کمکهای جمع آوری شده را به سفارت جمهوری اسلامی سهند، نیت اینان معلوم است، آنها تقاضای تری دارند، هر چند هیچگاه به طور جدی در صف قهر نندارند، اما تا صف از کسان با صلا - حیثیت است کمک این کیهما فعالند، اما فعلا نظیه ابیتنه تصمیمی نمیآیند، در این رابطه بطور مثال باید یاری از کمکتهای که در شهر کلن آلمان شکل گرفته نام برد، نظر مادر رابطه با امریکرسانی به مردم زلزله زده ایران این نکت باید مورد توجه قرار گیرد:

- ۱- سازماندهی کمکتهای اماندیدون هرگز نه مرز بندی سیاسی وایدولوریک، باید تلاش شود که نیروهای خارج نیز در این کمکتهای محصور داشته باشند.
- ۲- کمکهای جمع آوری شده باید از طریق مراجع ذیصلاح بین المللی با نظارت آنها در ایران به مصرف برسد، به هیچ وجه نباید کمکها را مستقیما در اختیار رژیم جمهوری اسلامی قرار داد.
- ۳- حتی انقبوت باید توجه مراجع ذیصلاح مکتور به این امر جلب شود که از ارائه کمک نقدی خودداری شده و بجای آن وسایل مورد نیاز آسیب دیدگان تحت نظارت این مراجع بین مردم توزیع شود.
- ۴- تقاضای کمک از مردم، باید جنبه رسمی داشته و از طریق صندوقهای مراجع ذیصلاح بین المللی، مثل صلیب سرخ، و یا از کانال شماره حساب بانکی این مراجع صورت گیرد، از هرگز نه تلاش واقتامی که بمعنای جلب کمک از مردم، توسط سازمانهای سیاسی و افسردا - سیاسی باشد، باید بریزد شود، این امر دامنه کمکها را محدود کرده و انواع شیعات را مانم خواهد زد.
- ۵- سازماندهی مراسم فرهنگی و هنری برای دریافت کمک، این گونه مراسم باید نحوی برگزار شود که موجب حربه در شدن احساسات مردم آسیب دیدمگردد.

زلزله زندگان را یاری کنیم

ایرانیان مقیم سوئد، فرانسه، اتریش

آلمان کمیته‌های امداد به زلزله‌زدگان

ایران را تشکیل داده‌اند.

۱۵ ماهه ازمنجا

کک رسانی به زلزله‌زدگان در کویتنبرگ سوئد

بعناز فاجعه جانگاز زلزله کیلان وزجان، تعدادی از ایرانیان متعهد و انسان‌دوست در کویتنبرگ کمیته‌های برای کک‌رسانی به زلزله‌زدگان تشکیل دادند از تصمیمات این کمیته جمع آوری کمک‌های نقدی از ایرانیان و خارجیان و بویژه مردم سوئد بود و برای جلوگیری از شایعات و سوء تفاهات و همینطور جلب اعتماد مردم، کمیته از طریق صندوق‌های صلیب سرخ به جمع آوری پول پرداخت. البته این قابل ذکر است که، صلیب سرخ در مقابل درخواست این کمیته، مبنی بر نظارت در توزیع کمکها، متعهد نشد. اولاً، پول نقد به ایران ندادند، پولها را صرف خرید وسایل مورد نیاز نمایانند، ثانیاً، به جنسهای مربوطه آرم صلیب سرخ را نصب نمایند، ثالثاً، با نظارت مأمورین این سازمان وسایل توزیع شود. ایرانیان و مردم سوئد موقعی که فهمیدند، ند، کمکهای دریافتی مستقیماً در اختیار رژیم اسلامی قرار نمیگردد، با خوشحالی کمکهای خود را به این کمیته ارائه کردند. پول دریافتی تاکنون توسط اعضای این کمیته ۵۰ هزار کرون بوده است، در جریان اقدامات این کمیته فعالین اتحادیه کمونیستی که با کسرتن دادن فقر و بی‌نواایی دنبال انقلاب هستند به یکی از رفقای ما که عضو این کمیته است، گفتند که "بهرت است بروید و لباسهای پارسای بپوشید!" ضمناً یکی از فالانتهای مقیم کویتنبرگ نیز با یکی دیگر از رفقای ما به درگیری شدید لفظی پرداخت و تحت واز جمع آوری کمک توسط این کمیته و با ضوابط مطرحه در بالا حدیضاصاتی بود.

کمیته دیگری به اسم کمیته یاری رسانی به زلزله‌زدگان " نیز در کویتنبرگ تشکیل شد که تقاضاهای را در صورت ویا مسای طبل و با شرکت بیش از ۱۵۰ نفر در شهر کویتنبرگ سازماندهی نمود. در پایان این تظاهرات مقاله ای علیه رژیم اسلامی خوانده شد و شمره‌های اخوان ثالث نیز به این مراسم غنای بیشتری بخشید.

اتریش

اتریش - ایرانیان مقیم وین کمیته همبستگی زلزله زدهگان را شکل داده و فعالیت خود برای کمک به مردم سوئد را سازمان داده‌اند. این کمیته در منطقه شهر وین با برگزاری ریز و نمایشگاه، از طریق صندوق اعانه، اقدام به جمع آوری کمک‌های مردم شهری کند. تساهل ۶ روزه نیمه این کمیته موفق به جمع آوری ۲۵ هزار شلینگ شده و قرار می‌گیرد که مراسم فرهنگی گزارده و اقدامات زیادی نیز در جهت جمع آوری دارو انجام داده است.

اطلاعیه سازمان چریکهای فدائی خلق، سازمان فدائی، سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) در باره زلزله اخیر شمال ایران -

ما عمیق تریس و اندوه از مصیبت بزرگی که زلزله اخیر شمال بر قلب‌های ما نشاندند و غمنا و تعاسی خانواده‌های درمستی که بهترین عزیزان خود را در این فاجعه از دست داده‌اند تسلیت میگوئیم. سبزه به گلش نرسد که رخداد دردناک اخیر در کشور مصیبت زده ایران در جامعه‌ای که خود اسیر فساد مرمی ترین حکومت‌های خودکامه تاریخ گشته است در کشوری که در آن نه از رفاه، نه آزادی و نه از انسان نشانی هست چنین سوانحی بمراتب رنج آورتر و مصیبت بازشتر بوده و بزرگ و تساهلی در آن ابعاد دشمنست باری بخود میگیرید.

پس وظیفه تمامی ماست که با همه قوا به یاری زلزله زدهگان بشتابیم. باید با ایجاد کمیته‌های امداد در کارخانه‌ها، دانشگاهها، محلات، ادارات و کلیه مجامع شده‌ای استکبار جمع آوری کمکهای مردمی و بخشش مستقیم آنها بعمده بگیریم. باید دست حاکمان فاشیستی را که برای کمکهای بیدریغ مردم کبسه دوخته‌اند کوتاه ساخت. تجربه زلزله‌های شیب و بوشین زهره و سوانحی تغییر سیل خوزستان پیش روی ماست گنجه چگونه در آنها کمکهای مستقیم مردمی نقش موثر و تعیین کننده‌ای در یاری به مصیبت زدهگان ایفا نرسد. بنابراین کمیته‌های امداد با اتکا به استکبار عمل مستقیم و مستقل مردم را هر چه وسیع‌تر ایجاد نمایم!

ایرانیان مقیم خارج از کشور

امروز جهان از زلزله اخیر ایران به تکان آمده است، همه مردم انسان دوست بانگرانی عمیق از وضع زلزله زدهگان ایران می‌رسند و خواستار بیشترین کمک رسانی هستند. وظیفه همه ماست که با ایجاد کمیته‌های امداد در خارج از کشور این کمک‌ها را با جمع آوری نموده و از طریق مجامع بین‌المللی آنها را مستقیماً به زلزله زدهگان ایران برسانیم.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
سازمان فدائیس

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

همه مردم ایران و جهان را برای این صیاری و کمک بزرگ فرامیخوانیم

اول تیر ۱۳۶۹

اسن - آلمان غربی

کمیته امداد ایرانیان مقیم اسن برای کمک به زلزله زدهگان، در همکاری نزدیک با کانون یزدگان ایرانی مقیم آلمان - اسن اقدام به تهیه یک لیست دارویی جهت ارسال به مناطق زلزله زده و اقدامات خوداری برای جمع آوری داروهای کرده است.

استکهلم - سوئد

درگیر استکهلم فعالیت برای کمک رسانی به زلزله زدهگان از جانب محافل و جامع و سازمانهای مختلف ایرانی و فرجهایی بی‌گرفته می‌شود. کمیته میسر کتاب، جمع آوری کمک‌ها از طریق یک کمیسیون مخصوص پیش می‌برد. در این شهر یک کمیته امداد همگامی را دیوهای مقیم استکهلم، تشکلهای پانندگان و دانشجویان دیگران شکل گرفته و در این جهت اقدام می‌کند. همچنین با همکاری واحد سازمان مادرین شهر روفقای سازمان فدائی، جبهه آزادیبخش ملی فرانکونمارتسی (السالادور)، جبهه خلق فلسطین و سازمان میسلی (استکهلم) یک فراخوان جهت جمع آوری کمک به زلزله زدهگان ایران داده شده و در این جهت کوشش می‌شود. فعالیتهای سربر گوشهای ایتالیایی ایرانیان مقیم خارج از کشور برای یاری به هموطنان زلزله زده است و شانگور روح همبستگی و علاقه به سرسخت و زندگی همبندان داخل کشور است.

هانوفر - آلمان غربی

در هانوفر کمیتهای بنام " کمیته امداد پانندگان برای زلزله زدهگان ایران سازمان یافته است. این کمیته بسا انتشار یک بولتن صورخبری و برپایی چاپر تبلیغات در شهر اوتنیشترای یک مالی اقدام به جمع آوری کمک‌های مردم نوع دوست هانوفر می‌کند.

فرانکفورت - آلمان غربی

در شهر فرانکفورت کمیته امداد پانندگان (کمیته ایرانیان مقیم فرانکفورت) به زلزله زدهگان ایران تشکیل و فعالیت خود را آغاز کرده است. این کمیته با تشکیل سه کمیسیون پزشکی، ارتباطات و مالی مشغول جمع آوری کمک شده است. از جمله اقدامات کمیته افتتاح شماره حساب بانکی بنام به نر فوکلای دادگستری شهر است تا نتوانست نظارت آنها کمک مالی نقدی جمع آوری و از طریق مجامع بین‌المللی به ایران ارسال شود. در این شهر همچنین به ابتکار کتابخانه اندیشه در ۲۰ روزه یک مراسم فرهنگی جهت جمع آوری کمک برای زلزله زدهگان ترتیب می‌دهد.

فرانسه

کمیته امداد ایرانیان برای کمک به زلزله زدهگان کشورمان با یاری و همکاری ایرانیان مقیم پاریس شکل گرفته و فعالیت خود برای جمع آوری کمک‌های نقدی، دارویی و جنسی را آغاز کرده است.

مهندس روسای دلمبران تواب شهرستان لاهجان ۹۰ درصد تخریب شده، بیش از ۱۵۰ روستای تابعه بخشهای مختلف قزوین و زنجان ۱۰۰ درصد تخریب شدند، بیش از دو سوم جمعیت شهرستان رودبار کشته یا مجروح شدند، ۴۰ روستای اشکور رودسر در دل خاک مدفون گشتند، از جمعیت ۲۲ هزار

رسم بوجود آمد، بنا به گزارش موسسه ژئوفزیک، پیراز زلزله اخیر، تا ۲۳ تیر بیش از ۲۰۰۰ "پی لرزه" در مرکز زلزله شناسی دانشگاه تهران، ثبت گردیده است. شهرهای تهران، قزوین، زنجان، لوشان، منجیل، رودبار، رشت، لاهجان، رودسر، لنگرود، آستانخارویه، صومعه سرا،

رسم لرزانی که در بامداد روز ۳۱ خرداد در تهران و بخشهای وسیعی از شمال و غرب و مناطق مرکزی کشور - مان روی داد به گزارش مرکز ژئوفزیک دانشگاه تهران شدنی برابر ۷/۳ ریشتر داشت و به لحاظ وسعت دامنه زمین شدت، طی یک قرن اخیر در این مناطق سابقه نداشته است. مرکز این زمین لرزه ۲۰۰ کیلومتری شمال غربی تهران و ۴۰۰ کیلومتری جنوب شرقی تبریز گزارش شد مرکز زلزله نگاری آمریکا اما شدت زمین لرزه را به قدرت ۷/۲ ریشتر اعلام کرد، بنا به اظهار مسئول بخش زلزله شناسی مرکز ژئوفزیک دانشگاه تهران "مطالعات تاریخی وقوع زلزله دوهزار ساله گذشته در منطقه البرز که کیلان بخشی از این منطقه است نشان میدهد که این منطقه در دوران گذشته بارها، صدماتی با همین ابعاد دیده است" و گفت: "طل اصلی این زمین لرزه فعل و اتصالات زمین ساختن است و هیچ ارتباطی با فعالیت اجتماعی آتش نشانیها در کوههای البرز مرکزی و غربی ندارد". وی وقوع زمین لرزه شدید با قدرت زلزله اخیر را بسیار ضعیف دانست و گفت تندی زلزله های بعدی در منطقه "پی لرزه" خواهد بود و برخی از این "پی لرزه" ها می تواند موجب باعث فعالیت "پیش لرزه" ها محال تا دو ماه آینده نیز ادامه خواهد داشت تا به سر و یک وضعیت متعادل در

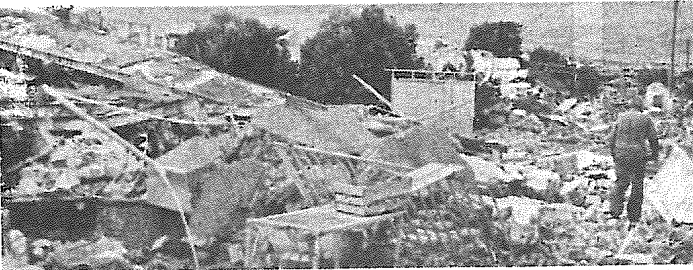
زلزله اخیر و "پی لرزه" های آن

از جمعیت ۲۲ هزار نفره منجیل فقط ۲ هزار نفر باقی مانده اند



نفری منجیل فقط ۲ هزار نفر باقی ماندند، و این ارقام فقط بخشی از واقعیت هولناکی هستند که توسط مطبوعات مجاز رژیم ارائه شدند، با این وصف کیهان اعلام کرده است "که بیش از ۵۰ هزار نفر جان ونیم میلیون نفر خانه و گاشانه خود را از دست داده اند".

فومن، بوئین زهرا، دماوند، تاکستان، تنکابن، نوشهر، کرج، سراب، خلخال، میانه، اردبیل، مشکن شهر، بروجرد، خرابآباد، قم، چالوس، مهاباد، ارومیه، سنندج و روستاهای اطراف این شهرها با شدت وضعی درج شده زمین لرزه اخیر، لرزیدند، از روستای کیده طارم علیا فقط ۱۰ نفر زنده



آمار قربانیان و مجروحین زلزله تایکشنبه ۴ تیر ۱۳۶۹

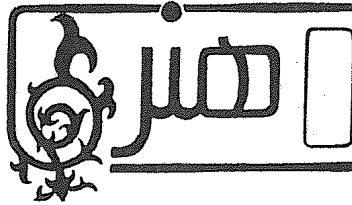
بمنقل از روزنامه اطلاعات

- زنجان، ۲۵۰۰ کشته و ۱۰ هزار مجروح
- قزوین، ۶۶۲ کشته و ۵ هزار مجروح
- تاکستان، ۳۲۸ کشته و ۶۵۰ مجروح
- اهر، ۳ کشته و ۱۳۰ مجروح
- دهستان بزرگه، ۱۲۰۰ کشته
- کلیش، ۲ هزار کشته
- چیرنده، ۲۶۰۰ کشته
- خورگام، ۳ هزار کشته
- رحمت آباد، ۲۵۰۰ کشته
- پلرکات، ۱۲۰۰ کشته
- رستم آباد شمالی، ۱۰۰۰ کشته
- رستم آباد جنوبی، ۲۵۰۰ کشته
- دهستان حومه، ۲ هزار کشته
- دهستان دشت ویل، ۱۲۰۰ کشته
- منجیل، ۷ هزار کشته
- رودبار، ۴ هزار کشته
- لوشان، ۲ هزار کشته
- طارم علیا، ۲۵۰۰ کشته و ۱۰ هزار مجروح
- رودبار شهرستان، ۸۸۰ کشته و ۵ هزار مجروح
- الموت، ۶۰۲ کشته و ۲۵۰ مجروح
- خلخال، ۳ کشته و ۶ مجروح
- لاهیجان، ۶۰ کشته و ۵۰۰ مجروح
- آستانه اشرفیه، ۲۰ کشته و ۱۰۰۰ مجروح
- رشت، ۶۹ کشته و ۵۰۰ مجروح
- فومن، ۵۱ کشته و ۳۰۰ مجروح
- دلمبران، ۵۰ کشته و ۱۵۰ مجروح
- رودسر، ۲۵۰ کشته و ۲۰۰ مجروح
- صومعه سرا، ۲ کشته و ۲۵۰ مجروح
- لنگرود، ۳ کشته و ۱۴۰ مجروح
- بالا محله، ۱۵ کشته
- بندر انزلی، ۲ کشته و ۲۲ مجروح

ملاقات وزاری خارجه ایران و عراق

به ابتکار خاورپرویز دژکوشیار، دبیرکل ملل متحد، روزنامه ژوئیه وزاری خارجه ایران و عراق در ژنو سوئیس مستقیمانه کردند. دبیرکل سازمان ملل اعلام کرد که این ملاقات در یک فضای سازنده صورت گرفت و امیدواری به بدل صلوا افزاین داد. این ملاقات بعموان زمینه ملاقات سران دو کشور محسوب میشود. هنوز از مفاد مذاکرات اطلاعی در دست نیست اما بعد از این ملاقات راه برای ملاقات درخوارتسی رئیس جمهور عراق گشوده شده است.

یادی از میرزاده عشقی



دیباچه انقلاب ادبیات ایران "

"به جای آنکه نشینند مرغهای قشنگ
به روی شاخهای گل، خفته اند بر سر سنگ
تمام دره دریند زغفرانی رنگ
زقال و قیل بسی زاغ های زشت آهنگ

شده است بیشه پر از باران گل غلغل منگر"

تنبوری را برگرفته، با گلوبی خونین، بر صخره ها،
برای لاله ها میخواند.

در عصر بی قانونی، عصر کشمکشهای خشکبانه و آوارها
— ی عاشقانه، تنبوری را برگزیده، رگ رگ جان ها را
شسته و شیدا کرد. عصر درهم پاشی و تلاش برای رستگاری!
در این عصر او از راه عشق و رنج و مبارزه راهپای
رامچیت، شاعر یابی، عاشق بی آرام و قرار، انقلابی پر شور،
زندانی ساجهای ستیباران در فصل تازانه و شمشیر،
در سال شقاوت و اضطراب، در قرن بجرم و هولبار که
بر پرچم شعرش نبرد قویترین با استعمار گران جهانسی
را میسود.

او فرزندی رگبار و طوفان بود، در برگیری آن فصل-سایه
وی را سر و سودای میخکها و بنفشها بود. پندگن آسمه
سر شعرش بر شب بال میگرفتند و آهوان عاشق ترانه های
پیش سواران میناختند، شعرش خرام سیده بود دردمد های
کرگه و میش که خورشید را اشارتی میداد، غافل نه از آن
که کرگه ها در پشت گرفته ها وی را به کین نشسته
اند، چشمان او نگران عشق بود که آسوی تر پای-در
زال چشمه های صبح میشست.

نمایشنامه نویسی، روزنامه نگار و از نخستین نسو آوران
تحول در ادبیات فارسی، میرزاده بود و میرزاده بود
و میرزاده نبود که با سیر و امیر در گیر بود. هفده ساله
بود که درس و مشق را رها کرد و به مکتب اجتماع
و مبارزه تا آخر نفس با دشمنان مردم روی آ و ر د.
میهن پرستی، دفع از آرمان های زحمتکشان، مبارزه بی-امان
برای آزادی زنان، اعتراض و عصیان در برابر بی عدالتی
جوهر جان اشعار و نمایشنامه هاو مقاله ای این مرغ
توفان، میرزاده عشقی است.

روزنامه "نامه عشقی" را در همان انتشار داد و پس
از مدت کوتاهی به کانون مردان و مجازان سیاسی-بنی
استانبول رفت اما شوق دیدار میهن و آزار و شکنجه
مردمان لحظه ای آرامش نگذارند. اشعار و نمایشنامه های
او در این دوره حاکی از این آمل و آرزوها و زندگی
دشوار و رنج آور شعر است. سپس به تهران آمد و به صف
مبارزان حزب سوسیالیست پیوست و از این زمان اشعارش
تاریخ انقلاب، تاریخ زندگی مردم میهنی بود، هر جا گشتند
— بیدگان برمیخاستند و زنجیرهای پوسیده فرو میریختند
و دشمنان مردم بر خاک می افتادند. اگر عشق خود آنجا
نبود، شعرش را سرود میکردند و ترانه های راجسون
پرچمی بر نوزه میزدند - شاه، وزیر، شیخ و قاضی از شمشیر

شعرش گریز نداشتند، چون نخست وزیر ایران "وثوق الموله"
عاقده قرارداد ننگین ایران و انگلیس، که اینگونه سرود
حمله قرار گرفت:

رفت شاه و رفت ملک و رفت تاج و رفت تخت
باغبان زحمت مکن کر ریشه کنند این درخت
میتهانان وثوق الموله خونبارند سخت
ای خدا، با خون ما این میهنی میکند ...

اندیشه آشوبی را قصبه کان تاریخ که به تخدیر لیسیده
بودند، تخیل نتوانستند کرد، پس او را دستگیریه زندان
افکندند اما آن شیر سرخ تاب زنجیر نماند، از دست
و پای میگذلد و به میان مردم باز می آید. هنگامی که
جلس چهارم از میان رفت، عشقی سرود:

این مجلس چارم به خدا ننگ بشر بود
دیدنی چه چیز بود
هر کار که کردند ضرر روی ضرر بود

دیدنی چه خبر بود

و چون در آن اوضاع بحرانی و آشفته، دیکتاتور خون آشام
و تازه نفسی از راه رسیده و بران دستا با نام "جمهوری
مردم را برقرید، عشقی برآشت و فریاد فرافکند که ایمن
دروغ و فریبی بیست نیست:

پای جمهوری و دست انگلیس
زداندم، زرداندم، آبی لپس
این چه بوق های سرخ و آبی است
مردم، این "جمهوری لالی" است

در روزنامه خویش نیزآزم جمهوری را از اسکاس،
تفنگ، شلاق و استخوان سر و دست نقاشی نمود و اینبار
دشمنان کر به قتل بستند.

عشق مال و ثروت وزن و فرزندی نداشت، سعی رابسا
رنج و تهیدستی و شرافت و بیگاری زیست * هنوسی و
یکسال از زندگی پرآبرش نمی گذشت، هنوز به... ار
هنرش به گل نشسته بود و آرزوهایش در برابر چشمان
عاشق پریمی شنیده:

جوانی دلبرو کشاده زبان

سخنگوی دانشور و مهربان
نجسته هنوز از جهان کام خویش
ندیده به واقع سرانجام خویش
نکرده دهانی خویش از زندگی
نگردیده جمع از پراکنگی

چولیل نوابش همه دردناک
گر بیان بخش چو گل چاک چاک

هنوز بیبوسته پردرمان
بنسته به شاخی هنوز آشیان
به شب خفته برشاخه آرزو
سحرگاه بانفش درگفتند

که ازشت کیوان یکی تیر جت
گرگاه مرغ-سنگوی بست ...
عشقی راباتیرو زند، در برابر خاندانش به دست مونس از
عوامل ارتجاع و دیکتاتوری عشق راباتیرو زنده نمودم با این
شعر که بر سنگ گوش نوشتند با شعر خویش بود نگفتند:
در سلخ عشق جزنگو را نکشند
لاغر صفان زشتخو را نکشند
گیاهش صافکی زکشتن مگریز
مردار بود هرآنکه او را نکشند
و آن روز صوم ۱۲ تیرماه ۱۳۰۲ شمسی بود.
عشقی می خواست "دیباچه انقلاب ادبیات ایران"
باشد و بود.

"پندار من این است که با بستی در سلوب سخنرانی
این زبان پارسی تخمیری داد، ولی در این تغییر —
نیاستی ملاحظه اصالت آن را از دست نهاد."
درباره قطعه برگ بریاد برده می نویسد: "این ابیات
راه شیوه تازه با نظریات و ملاحظات که من در انقلاب
ادبیات فارسی و تشکیلات نوی ایران دارم ... سرودم."
در مورد "ایدال" که آن را دیباچه انقلاب ادبیات
می نامد، می نویسد: "این سه تابلوی ایدال، بهترین
نمونه انقلاب شعرای این عصر است * — برای
اولین بار عشق اثری روانی و منظوم بر میاری زندگی
آرزوهای مردم زحمتکن آفرید. به همین گونه می توان
گفت که نخستین کوشش برای تهیه آبرایی ایرانی توسط
عشقی و دراپری "رستاخیز خیرایان ایران" — جلسی
می باشد. آزادی و پیروز آزادی زنان موضوع اصلی
بسیاری از اشعار شاعر و زنان قویان اصلی نمایشنامه های
او چون "ایده آل"، "کفن سیاه" و "رستاخیز
شهربان ایران" می باشد.

مرواحی که نیست جز آنکه زخم
زین گاه است که تازند نام اندرکنم
من سهه یوشم و تائین سهه ازتن تکم
توسه بختو بدبخت چوبخت توکم
منم آن کی که بود بخت تو سپیدکم

من اگر خندم، خندان تو
عبدال و برابری اجتماسی خواست و آرزوی دیگر شاعر است
و به همین لحاظ با هر قید و زنجیری به ستیز میخیزد:

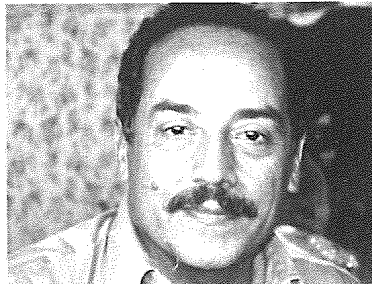
بمدان این باید نماند هیچ کی برندیگی
هرکی ازبیر خودزنده است و دلاورندگی
و سرانجام مرتزایی "ایدال" ایدال خویش و راه نچا

میهن و توده هارا چنین تصویر می کرد:
تمام ملکت آن روز زیور بود
که قهر ملت باور زیور بود
به خائسین رسن، آسان عود کرد
زمان کشتن انواع مرده شوگرد
بسبب خالزخون پلیشان رنگین

وزیر علی بهر فرار داروید
رئیس نظمها سوی آن داریوند
کفیل مالمها در مزار روند
وزیر حارجه هاز جهان کتار روند

که تانمان از ایشان نشان به روی زمین
"ایده آل" که در بزبان سردار سپه نوشته شد، خشم و
کینه حیوانی دیکتاتورانه را برانگخت. این تابلو که
تهنادهای تومیتا، بسیار زیبا و نوآوری شجاعانه ای در
عصر ادبیات، بلکه تصویری گویا و دلنایه علیه آن عصر
پریداست. زبان ساده و تصویرات زیبا و قابل
دسترسی این شعر انسان را جانجو می کند.

چند دهه مبارزه



گفتگوئی رودر رو

با رضامرزبان

(۳)

ریخت و گفت: به من گفته بودند چند ماهی است باز یکی سرو گلش آتش پیدا شده، آمده بودم پشت درش تازه بی بی به تودویی ها بدهم، چون فکر میکردم، دس قلمی، بادشان رفته-حالا شما را میبینم! دوباره به نماز ایستاد، و نمازش که تمام شد، راننده‌هایش، قالیچه را جمع کردونه اتفاق سید سوار اتوبوسیل شدیم و آن وقتی هم با ما به شهر آمد، بین راه سید به من نصیحت کرد: "بله، درست که دولت، طرفدار آزاده، اما شهادتشوچوا باید متناقل باشید، و بدانید که آزادی فقط داخل حصار شهرواست. توی میدانهاو خیابانهای تهران، هرچه دلشان میخواد هترواید بشکند و شمشیر بدهید، اما حق ندادید، پانان را از شهرها بیرون بگذارید. میفهمید! ..."

پسنا بود کنگام پاسگاه ژاندارمری، بانست وکسک کسانی ازشیکه محلی خودمان گسترده شده است. ولسی تب مبارزه آنقدر داغ بود که من، تعقیب ماجرا را به شبکه دهقانی رها کردم وبعناز گزارش چندروزه‌مبارزادانت آخرین روز، موضوع را دنبال نکردم. بعنما وبرزندان بودکنیمیکرمکرم این دام را، کنگام غنم شاخه، پاکدامها مبارزه بودند دهقانیهای که هتکجهت از سائل جهانی بیش از اغلب دانشجویان دانشگاه تهران، ازاشتمیم و نازیم، هیتلر، جنگ، صلح، و امپریالیسم، آگاهی واطلا ع داشتند، و در زمینه وقایع سیاسی-بعناز شهرو، سراسیا تجربه بودند. آنمذ خیال میکردفقط یک جره لازم است تا به رهبری، طبقه کارگر، انقلاب دهقانی را جاری کند. و هنگام عمل ...

۲۸ما، براد: صبح پنجشنبه بود که روی برناه، به خانه مشؤل سیاسی روزنامه "بویوزآزادی" رتم، باید، آجا درکارا، و در سربدی که اندکی بعناز من رسید، مطالب رهنما را تا کتبل میگردی و به چاپخانه میزداسم. صبح زود، وضع عادی بود، ولی از چند روز پیش، خشونت ها سی پلیس، شدت یافته بود، وناز غروب، چهار راههای اسلامبول- فردوسی و اسلامبول- لاله زار، محل گزاز اشک آرد وضره باتوم بود. بی هیچ دلیل، ازطرزی از ر و ز ۲۷ براد، بدینال این خبر که روزنامه لثرو سوم" خلیل ملکی شمار جمهوری داده، ناگهان تمام شبکه حزبی تهران برای ترتیب میتینگهای خیابانی کوچک و سراسری و دادن شمار جمهوری، بسیج شد، وبعنا میتینگ کوچیک موسفی، در سراسر خیابانهای اصلی تهران، برای تبلیغ جمهوری، بیا گشت تا شبکه حزبی، بدینستی "بئرویسوم" در اعلامشمار جمهوری، با عمل جریان کند. (من این روزنامه را ندیدم.)

۳۱ما، صبح، به مشؤل سیاسی روزنامه، تلفن شد: دستهای از جنوب شهر، سوار کامیون بجاراز روسیدان توپخانه سرازیر شد. آننگه شمار غلابیاداش" میوهسندو جمعیت زیادی نیستند. پلیس ونظامیها هجولو آنها را نمیکردند. ساعتی بعد تلفن شد که د نفر جقات و چاقو، به دربخوان جمعیت ملی مبارزه بااستعمار(خریباخان فردوسی) وانحن کلک به دهقانان، و محل روزنامه‌های به سوی آینده و نوید آزادی، و خانه صلح (در طول خیابان فردوسی) حمله کرده‌اند. وبعد از غارت، دفترها را بیسه آتش کشیدند. پلیس هم از آنها حمایت میکندوسته‌های پلیس، گروه به مهاجمان، می‌پیوندند. از فرمان اری نظامی هم به آنها کلک می‌شود.

اننگی بعد، دراطراف ما، به دنبال ازدحام، شلیک گوله آغاز شد. پیدای بود که کودتایی در جریان است. خانه‌ی که آن جلسه ناختمیم، حدود صد نفر سراسر از چهار راه خیابان کاخ و خانه دکتر صدق، فاصله داشت واز ساعت ۱۱ به بعدفریادهای "جاودشاه" از آن حدود به گوش می‌رسید. آمیخته با صدای تیر ساعت

و راهمنای برای حضور فعال آنها در انتخابات شد. بزرگترین ده این شاخه، "داوودآباد" جزو املاکخاصی بود که از طرف شامو بانک عمران، بطور نمونه، به دهقانها فروخته شده بود. و بانک عمران، طرف دهقانها بود. مشؤل حزبی داوودآباد به جلسات نیامده بودشب آخر قرار شد، صبح فردا من به داوودآباد بروم، وبعناز سر جاده داوودآباد به تهران برگردم. همین برنامسه را اجرا کردم. اما سرجاده که رسیدم، رئیس پاسگاه ژاندارمری، منتظر من ایستاده بود!

ساعت ۹ صبح بود که بازداشت شدیم، تنها، و تنها شب تکلیف، توی اتاق خالی، در توقیف پاسگاه بودم. ساعت ۹ بعد ازظهر مرا از اتاق بازداشتگاه بیسرون آوردند. و به اصطلاح، برای بازجویی بردند. در اتاق رئیس پاسگاه، سید مختارزاده، بازوی اجرائی آیت الله کاشانی نشسته بود، او، در روزنامه های چاپی، به "اتاق پردیس" معروف بود. یک قهتی، از مطایفه تشکلی، که تقریباً در تمام جلسات چند روزه ما حضور داشت، آنجا بود. کارمست رئیس پاسگاه، وتا ما را دید، گفت: آقای رئیس، خودشه، همین بود که میگفت به دکتر ... رای بدین و حرفای به به اصلاحت میزد.

سید مختار زاده دردی نتونم، با ریشتی‌نوه وسایه اجاره دار ده "پردیس" بود. و سال پیش، حامی ده "پردیس" را که به "الذو رسم" سیورسات" توسط دولت خرید داده بود، بالنگ به دیون تون حمام انداخته بود تا سوخته بود ولفق لاثال پردیس" را به بیسن نامست به او داده بودند. اما من، او را به مناسبتی دیگر، نشانه، خانه‌ده، او در مشهد با ما هم محبلر بودند. و او از فراریهای غافلج مسجد گوهر شادبود که بعناز سر از فلسطین درآورده بود، و به آیت الله کاشانی پیوسته بود. دو سال پیش تر به جلسی در دفتر روزنامه "ایران ما" دعوت شده بودم. دعوت کنندگان، قصد سرایه گزاری وتوسعه روزنامه را داشتند. سید مختار زاده جزو برناه ریزها، در آن جلسه حضور داشت، و سا آشنا شدیم.

سید، که خشکین، و آستین با لازه، روی منصدلی نشسته بود، هنگامی که سر بلند کرد، ورا دید، ملاپم شد، و پرسید ما چرا اینجا چکار میکنید بعنازندان را سر صد، کرد. برایش قالیچه‌ای آورد. همانجا وضو گرفت و سه نماز ایستاد. بعناز نماز پیرونده را که جلو ریشی پاسگاه بود، وپیش از کوچکترین سؤلای از من وحتی نام من، سربه پیش از صد صفحه میزد، خواست، یاره کسرد و

در بهار سال ۲۲ باشگاه جوانان دمکرات ایران، مسئولی ترتیب داد. این مسئول، به استقلال-فستیوال جهانی جوانان بود که در "بخارست" برگزار میشد. بسا برنامه‌های وسیع در زمینه هنرها و ورزش.

در این مسئول، اخوان "امید" محال طلالی شعر را برد. و ملال برنز تصمیمی نصیب داستان من بنام "شکت ناپذیر" شد که اتفاقا به دست زوری هم رسیده بود. ماجرا این بود که شطاک جلالی، غنم کمیته مرکزی سازمان جوانان، واداریکننده مسئول، داستان مرا، به عنوان اثری که توجه او را جلب کرده بود، جای گذاشتن در پیرونده زوری، توی کیف منسی خوش نگاه نداشته بود. و چند روز پیش ازتشکیل جلسه زوری، هنگامی که برناه، صاحبانی با روزنامه‌سوان را اداره میکرد، پلیس به محل صاحبیه حمله کرد، و به استاد مقررات حکومت نظامی، او و خیرنگران، حاضر - ان در محل را، بازداشت کرد. از قضا من هم از طرف روزنامه "نوب آزادی" به صاحبیه رفته بودم.

خیرنگران روزنامه‌های راست و میانه رو را همسان لحظه انتقال به محوطه پشت زندان وقت، درشهرپاسی آزاد کردند. باقی را تا ظهر روز بعد نگاه داشتند. وطبیعی است که تمام محتویات جیبها و کیفها را همجالی کردند. از جمله کیف منستی "سیالک" را خالی کردید. وبقه شکست ناپذیر جزو اوراق ضبط شده بود. زوری، هنگام بررسی واطلام نظر روی داستانهای موجود، اثری را که صاحب مثال طلا باشد، سافت و به بهترین داستان مثال نرفرداد و سیالک جلالی ویک غنم دیگر زوری که سرنوشت قصه کم شده را، مطرح کردند، سعیدنسی، رئیس زوری شعر رفته، و پیشهاد کرد به قصه خوانده نشده، مثال دوم- یعنی مثال برنز- بدهند.

برای آنکه حدود آزادی، وشرایط مبارزه را در دوره نخست وزیری دکتر صدق بداند، نقل خاطراتی از ازمه ها می که بشکله دهقانی حزب بیوسوم، بدینست:

از رستان سال ۳۱، واطلا بانه، به شکله دهقانی بیوسوم، ودر "بهم بازوی" اورا این افعال شد. فوق- لبت دهقانی از دوره همگرا با "منستی هسا" فر "این آدابهمان سوخته" پیدا کرده بودم. اما در عمل متوجه شدیم که کار تشکلیاتی ده، هیچ ربطی به عدالت تشکلیاتی شهر وفضاهای کارگری را روشنفکری، ندارد. انتخابات مجلس شورای ملی بود، و من برای آزاتاسیون به روستاهای شاخه حزبی خودرفته بودم. سروز وقت در دو محور، صرف سخنرانی و تلمس با افراد سازسانی

۱۲. ما از حلی که بودیم نتوانستیم خارج بشویم، وماندم رادیو، خبر بخش نیکرد، وگوش ما، بسنه صدای تیراندازی بود، که دم به دم شدت یافت و دیگر حتی ز خانه را نمیوانستیم باز کنیم، گوینده رادیو، صد بخش خبر و سرانجام گزارش پشه کاری، طرز کشت و برداشت محصول پشه را به مدت چندین ساعت فرات میگرد.

ساعت چهار بعد از ظهر، تیراندازی قطع شد. رادیویویر ناگهان با سرود سلام شاهنشاهی "پیام فتح سپهبد زاهدی و سقوط کابینه دکتر صدق را اعلام کرد، کودتا، که ماها، مطبوعات حزب، شماربیداد، آنرا به ضد کودتا تبدیل خواهیم کرد، بر رادیو و خانه دکتر صدق تسلط یافته بود، و از آنجا که ما بودیم از پشت پنجره، میدیدیم که ائات حاضرند و پاید سمدلی و میر وقاب عکی و فرش همت که غارتها میبردند. رادیو نیز بی تریبی استخار حکومت نظامی چندپو منسج رفت و آنرا همراه با فرش نظامی اعلام میکرد، آنچه را که میدیدیم میبینیدیم، کمی نوانسیم باور کنیم، هر لحظه منظر اعلام خبر شکست کودتا بودیم، ما دیگر کاری نتوانستیم، باید چشم به راه نستور حزب میماندیم، مسئول روز نامه، و من امیدوار بودیم دست و پای خودمان را کم نگرده بودیم، ولی سردبیر روزنامه با یاس شام به آن یکم میگریست. صوق با اوردند، چون او بهتر از ما خوش و کسانی از قماش خودش را که در صف کادریها بالای حزب قرار گرفته بودند، میشناخت.

خانه ما، در خیابان عشرت آباد کوجه حمام ریبسا بود، هرطور بود، خودم و یارها خانه رساندم، وان شب تاصح چشم بر هم نگذاشتم، چون، فرارگاه عشرت آباد بیست متر با خانه ما فاصله داشت. ودر فرارگاه، تنها صبحکودتاچما، موزیک و فریاد شادی و سرود نظامی داشتند، و من از تاریخ انقلاب مشروطه آشنوری را برای بار دوم دوره کرده بودم، چشم براه سرود سربازها به خانهها بودم.

کودتا صورت گرفته بود و حالا توده حزبی منتظر دستور بود تا همانطور که ارتکابل پیش، هرچند روز یک بار از طرف مطبوعات حزب اخطار شده بود، کودتا را به ضد کودتا تبدیل کند، از منشا پیش از ۲۸ مرداد غرور سیاسی افراد حزب، از شعار چاقوکشان حرفهای که در هر فرصت تریبه میکشیدند، "بیست روزه تودهای خرابدار - می" حربه باور بود، و این حربه، و این روزهای آخر بیشتر تا سر حدش بود.

از روز ۲۹ مرداد، آماده باش حزبی و قرارهای چند ساعت بچند ساعت در خیابانهای تهران آغاز شد که با شور و شوق از آن استقبال کردیم، بعضی چندروز قرارها به یکبار هر روز، و چند روز یکبار، تبدیل کشت تا به مرحله جلاست بحث و انتقاد درون سازمانی و دانسیم که دیگر چیزی از جانب حزب نخواهد شد و تمام نیروی حزب صرف تشدید همدادی و هماغهنگی جمعیلی شد، در انتخاب عمومی ۱۷ آبان، که جهه ملی اعلام کرد ما در حضور فعال دانشتیم، و حاصل فعالیت شدید من در روزهای کیهان برای تدارک انتخاب آن چند روز و پیش از انتخاب با اشاره روزنامه، چند جیب و کامیون فرمانداری نظامی برای دستگیری من به روزنامه کیهان اعزام گردید و در کوجه اتابک مسترد شد. وهنگی که سرگرد فرمانداری نظامی، بانگتر مصاح کرده گفتگو میکرد، کارگزارها مرا بنهان کردند و ساعتی بعد، از راه پانجه هسایه، وارد کوجه تئاتر فرموسی (تفکر) شد و درون جمعیت خیابان لالمر از محل دور شد، ما اینهمه، تدارک انتخاب طوری بود که بسا

کوشش و خوشحدمتی چند سرکارگر، روزنامه کیهان روز ۱۷ آبان با ناخر بسیار و دریک روز (دوصفحه) انتشار یافت. روز بعد اعتصاب غیرمجاز روز نامه خوانسته و به جمع یوزگار شکان بعد از کودتایوسوم، تصفیه ادارات سازمان- های دولتی از چپا آغاز شده بود.

در این فاصله ما از حبابان گرگان، کجک کرده - بودیم و سه محله "سربوک" آمدیم، بودیم، خانه ما پشت خان "آبیت الله بهمنی" بود و حواکن که تاراه ازبودن کرده بود و من وخواهرها و برادرهای از هسنان هفته اول بعد از کودتا یک حوان فراری از هسنان با ما زندگی میکرد، حوان روستایی ساده ویر حسوش خروسی که عضو کمیته شهربان سازمان جوانان در رود - سر بود. و بدینال هجوم افرادصوتی، تفوال محلی، به حواان هوفار چپ، به تهران منواری شدهسود و او را به من میدردند تا یک هفتای در شاخه خود م نگمارم، در شاخه من، از ۲۰۰۰ تا ۳۰۰۰ نفر، حتی یک نفر هم نبود که بتولم کسرا به جمع خانه او انقاسه کم، همه کارگر خیاط، دستفروشی، کارگرکشتی، و رستوران روزنامه فروش بودند، گذشته ارجنبه ایستی، حتی بطورعادی هم میشد کسرا به جمع خانوادناها، انقاسه کرد، که زن وشوهر وچنددیچ در یک اتاق زندگی میکردند و در خانهای قدیمی، که دورتادور حیاط اتاق، اتاق، اجاره نشین داشت، درنتیجه، اویر خانه ما ماند و جای هفته، ماها آنجا بود. تاسرانجام با لو رفتن دیرینه خا ایالتی سازمان جوانان، بدینال آبرس "پارول" ارتباط با او، به خانه آمدسند. و او را هرکس را در خانه ما بود گویند، شیج بی زده از ماه بهمن بود، وقتی ما بدورین هدلیز خانه، گورگاری بر سر - باهازا چند سو با سرینترام را بستند، خانسه سربازخانه شده بود، و توی اتاق من چند اسر شخصی گرم کدوکو بودند.

من، آن رفیق متواری، برادرم ویرسومیم، و چند نفر دیگر را که بعد از اعتصاب ۱۷ آبان از روزنامه کیهان بیرون کرده بودندو شها در خانمان میخوابیدسند، در کامیون نظامی، به عارت شهربانی انتقال داندسند و به سالی لخت و سرد و خاوشو راهنمایی کردند، ما - حتی بعد در باز شد و اخوان را هم آوردند، به جمع ما اضافه کردند، بیست و چهار ساعت بعد، بدینال بیخوابی و گرسنگی ما را در آغاز شب از عارت شهربانی، به لشکر زرهی انتقال داندند، و طبیعی است که شکجه آغاز شد، چند هفته بعد، اخوان، و سایر همراهسان ما را از آراد، تهران، و من و رفیق متواری، بعد از زندان لشکر زرهی ماندم تا آثار شکجه در تن ما حو کسود - ۸ فروردین ما را به تربطینه زندان موتف واز آنجا به داخل زندان موقت بند ۴ با بقول سرتان جوان - شو رئیس پولکی زندان، به "اسالیکنگرا" استحویل داندند، پنج ماه بعد، از زندان موقت، به قصر، منتقل شد.

در زندانها: زندان موقت، شلوغ تر از شهربانی زبانی بود، هر روز چند بار بر وحالی میشدور بند هشت (طبقه دوم) جای سوزن انداز نمود، زندانهای قصر هم بر از زندانهای سیاسی بود. در زندان شماره یک قصر، تعداد زندانهای عادی کمتر از زندانهای سیاسی بود، و زندان شماره سه درست به زندانهای سیاسی اختصاصی داشت، زندانهای دیگر قصر را هسسم (ازبان وشماره ۲) هسطنبور برآورد میگردد. اخوان را بعد از یک هفته آزادی دوباره بازداشت کرده بودند از سو در لشکر زرهی نگاهش داشتند و بعد به زندان موقت انتقال یافت، اینبار، او متهم بسود و

انهاسر "شعر"، شعری که او ساخته بود ولی بسنه او سست ناده بودند، من هنوز در زندان موتف بودم که شکتفلمی لو رفت، و بخشیهای ترون زندان که کرد دسند بندهیای داخل رهبری و انهام با دناها بنیکبگر دور سیزد قطع شد، و بهت همه را گرفت و تگرانی تشدید آرایسند، و حواص، روشن نانواپی سهرور، از بسوزن کشیدن حرب از کرد بادی که رسیده بود، حاشین بخشیهای سابق شد.

در زندان شماره یک قصر، دکتر کاظم راده، کسه تجربه آنروایجان را از سرگردانده بود، آب پاکسی روی دستخان ریخت، اوگفت ما به جای رسیدنایم که باید از گذشته چشم ببوشیم، همه جزایزاید او سو آتاز کرد، او حالا از درون زندان، باید به تک کسه تشکیل بخشیهای مارکسیستی باشم، ما، که تجربه او را ناسیم، و درکلای "نامههای ربر جویه دار" زولویو، فوچیک، بوروش یافته بودیم، به او بوختان کردیم، و بعد از آن بسنه او با بد بینی نگاه میکردیم، او، بعد از راهی از زندان چندسالی بیتن زندان نماند، ولی بیتن بیستی او درست آزاب درآمد.

دور زندان موقت، به ساسیت ماه رخصسان، زندانهاها تصمیم گرفتند برای شزار به زندانهای سیاسی آنها را وادار به اجرای مراسم روزناری بکند، کمیته زندان، قصد داشت تسلیم این تصمیم شود، و استدلالش آن بود که باید در برابر زندانهای عادی، نظاهر به روزناری کرد تا تبلیغات زندان - باها را علیه ما اثر نکند، من با این نظر مخالف بودم. و استدلال این بود که زندانهای زنداندارند اراده مارا بعنوان روشننگارگاه، بشکند. نظاهر ما به روزناری نزد زندانهای عادی که خود مرتکب خلاف وشکتن نظم جامعه شداند، ارجاب آنها به تری و بار یکاری ماتلجی خواهد شد، و با، باید با ایساندن روز رفتار عادی خودمان برای دیگران سمرشق باشم، کامیون معتقدندو میخوابند روزه بگیرند حواسی جدا دارند ولی تصمیم این تصمیم به تمام زندانهای سیاسی درست نیست، سراجنامه کمیته زندان تصمیم گرفت برای اعتراض به تحمل زندانها، اعتصاب غذا اعلام کند، و اعتصاب ما، یک روز بیشتر طول نکشد چون زندانها تسلیم شدند، و قرار شد غذا ی زندانهای سیاسی را به جای سرخ، نظهر تحویل بدهند، دریندشش قصر هم بر سر من ورود روزنامه بسنه بند، که درگیری جمعی با زندانها پیدا کردیم، استگار این تریگری، که انگکی از فشار کاست، با دکتر کاظم راده بود، شدت عل، در زندانهای کودتا، قابل توصیف نیست، شخرنج بازی، و خواندن کتاب و روزنامه در زندان جرم بود، و تا منتهی، زندانهای سیا - سی را، به سانههای واهی، به دفتر زندان میبردند و آنجا روز هشت، دستبند و سلاق میزدند، و از زندهای آسین درها میروختند، روزنامههای اطالاط و کیهان و نام زندانهای عادی وارد بند میشد، و بهیانی، اتاق بسنه اتاق سیکت، کتاب هم هسین سرپوش داشتسند، و از این بابت بایدهم به رئیس بند، معرفی میایدیم، و به زندانهای عادی، امتناز با این فرق، من در بند شش جملهای دستنویس، تدوین کردم که دو شماره آوردند، که دست به ست به بندهای دیگر زندان هم میرفت، باانتقال من به زندان شماره سه، تصمیم تعطیل شد چون آنجا امکان نهد، محله نبود، آنجا محلی، حفاظ نداشت و اضای شکجه دیده و روحیه باخته سازمان جوانان آنجا متراکم بودند.

کگره ۲۸ حزب کمونیست شوروی که از دوم ژوئیه آغاز شده است ناده روزیگار خود ادامه میدهد این کگره از هر لحاظ در تاریخ معاصر اتحاد شوروی نقطه عطف حساب آمده و نقش سرنوشت سازی برای حزب کمونیست اتحاد شوروی و برای آن کشور دارد.

صاف بدنی نیروهای رزمی حزب و بحث های تعیین کننده بر سر اساسی ترین مملعات کونی این کشور یعنی رفاه اقتصادی و مسله ملی در این کگره زمینه ای است که

درباره برگزاری کگره بوسی حزب کمونیست روسیه اما در این جریان در روزهای قبل از آغاز کگره بونی جناحی و تمیز بر مباحث بعضی از شخصیت های مهم همچون "کیسلاف"، "بیربرج لنینگراد"، "پولسکیف"، "دیبرگوزب" جدید روسیه، به دفع همگامی با گورباچف و اتحاد شوروی

برون فرج بوجود آمد. در همین زمان تغییر رسمی نیز در پرخود روسیه بلشئین دیده شد.

در چنین شرایط و در حالیکه خطر انشعاب بعثت در کمری

خارجی جدید را بر شمرمو از روند کونی دفاع کرد. اوگت هردادن ۷۰۰ میلیارد رول و زبات های سلجانی و ۲۰۰ میلیارد رول برای برائی "زیر ساخت های نظامی" در مرز چین مملکت رانده و برائی کشاند این همه بدون نظر گرفتن قربانان بی شمار جنگ افغانستان است. او گت ۲۵۰ میلیارد یوه کشور صرف هزینه های نظامی میشو با سیاست جدید خارجی و نظامی کشور ۲۵۰ میلیارد رول صرف جونی میشود. او در برابر انتقادات وارده به سیاست خارجی از جمله در مورد اروپای شرقی گفت، " ما مایلیم که در صورت وجود نیاندن تغییرات اصل در کشورهای اروپای شرقی، نتایج تراز یک بدی بوجود خواهد آمد، اما این مسائل را پیش بینی کرده بودیم اما قصد نداشتم در آنجا دخالت کنم و این صحیح بود." در مورد اتحاد دو آلمان گفت، " کسام بهتر است، نیم میلیون ارتش آلمان فدرال پايك ارتش کوچکتر و نصف این تعداد روسیه در یک آلمان متحد؟ " و ادامه داد: بدون توافق شوروی هیچ نظم جدیدی در مورد مسله آلمان بوجود نخواهد آمد. ایگور لیکاجف در روز دوم کگره بدون حمله مستقیم به گورباچف، گفت که پروتوزیر کوریا این چند سال چندان کم مینتی به نفرم انجام نداده است. او گت که رسانهای جمعی که لیبرالها و نیروهای ضد سوسیالیست در آنجا قوی هستند، او محافظ کار ساسد، حال آنکه او محافظ کار نیست بلکه خواهان بازسازی حزب و کوشش است اما میخواهد از ارزشهای سوسیالیستی نیز دفاع کند باید به این ارزشها بازگشت. فرمانده سیاسی ارتش جنوب شوروی حمله سختی به سیاست خارجی و وقایع گورباچف دروازهها را داشت این سیاست ارتش را تعضیف و کشورهای اروپای شرقی را از دست داد.

تازوی چهارم کگره که سخنرانان درباره مسائل مختلف صحبت کردند، فضای متحد شدن پیش از روحیه انشعاب شنودیده و تقریباً همگان خواهان وحدت حزب شدند. کگره کمیونتهای متعددی برای بررسی گزارش دبیران کمیته مرکزی تشکیل داد، که بعد از بررسی آنها برای بحث و تصویب ارائه می کنند.

کگره ۲۸ حزب کمونیست شوروی

بر سر آن آیندو حیات سیاسی این حزب رقم میخورد. از پیش از کگره نیروهای رزمی حزب به تنه داشت نام بر سر اختلافات خود در کگره کردند، بلکه بعضاً ناماتی را جهت سازمان دادن خود برای مقابله با دیگران بر سر انجام رساندند. نیروهای طرفدار پلاتریم مکرانیک، کسه خواهان کار گذاشتن سوسیالیسم و کمونیسم از برنامه حزب و برپائی اقتصاد کامل بازار و تغییر نام حزب هستند، در ماه گذشته کفرانی سراسری خود را در مسکو برگزار کردند در این کفرانی که حدود ۷۵۰ نفر شرکت داشتند اکثریت شرکت کنندگان (۵۶ درصد) بر این نظر بودند که تنهادر شرایطی که حزب اجازه فعالیت گروهی نمیداند، که حدود ۴۷۰۰ نماینده صاحب رای دارد، را تشکیل میدهند یعنی اند که حدود یک سوم اعضا حزب با آنها همراه هستند. نیسوری دیگر که مشکل از کارهای حزبی در دههای انداری و میانی حزب است و کرایش به حفظ وضع موجود و بر خوراری از امتیازات تاقونی حزب دارند نیز در این اختراعال بوده و حملات زیادی به سیاست گورباچف کردند. از جمله

نیروهای رزمی حزب وجود نداشته وارد، کگره کار خود را آغاز کرد. برخلاف گذشته هر یک از ۱۲ عضواری حلق رای دفتر سیاسی ۲ عضو مورتی آن گزارش مختصاری خود و نظرات و مناقات خود در زمینه های مختلف را ارائه کردند. میخائیل گورباچف در گزارش کمیته مرکزی به کگره گفت، حزب بر طبق سرنوشت سازی قرار دارد اگر نیروهای مخالف پروتوزیر کاسد بالا را بابت آوردند، کشور کتر بلشئین و سرنوشتی به یک نیروی درجه دوم تبدیل خواهند شد. راه رفت از بحران، تعمیق و پیشبرد پروتوزیر کاسد او اضافه کرد که مکرانیک از سبب در کمری بدون دست برداشتن نتواند از امتیاز ویژه سیاسی خود سیرین خواهد بود. گورباچف در پاسخ به با انتقادهای محافظه کار به پروتوزیر کاسد، ضمن دفاع از سیاست ۵ ساله اخیر گفت مشکلا کونی نتیجه سیاست اشتباه ۲۰ سال گذشته است و بر طبق دادن مشکلات کونی به پروتوزیر کاسد، " بی معنی و بیج" است او از دولت بلشئین نداشتن درک و برنامه روشن برای رفاه اقتصادی و صرفاً تکیه بالا بردن قیمت ها تا قدرتی از قدرت سیاسی حزب نیز که دولت یارایی نمی کند، انتقاد نمود. الکساندر باگایف در روز اول کگره با رجوع به دوران استالین سیه استالینسم حمله کرده و از سیاست جدید تکرر نویی دفاع نمود. او از وارد شدن به سرنوشتی خود مست آورد های سیاست

در چرخم جنبشهای

آدمها ز منحه ۱۲ جدید (بورس کاسا گالیستیکتی)؛

آثار تیشیتا - برنا مه: خودگردانی، جا مسه بدون دولت و گروههای اصلی: مسکو، لنینگراد، سوردلوسک، جا با روفسک ۰۰۰

نیروهای طرفدار "سوسیالیسم دولتی"

جنبشهای کارگری قد فریم - برنا مه: برروستریکا تحت کنترل کارگری، انتخابات بر اساس وادعای تولد (با زگشت

"دیکتا توری پرولتا ریا")، دفاع از "دست" آوردهای سوسیالیسم "، خصومت با خنکسان جدید سروزوا و سیاستمدار سازمانهای ملی حبه متحد کارگران روسیه و در کشورهای با لیتیک حبه بین المللیسی که کار درها و کارگران روسی مهاجر را حول دفاع از "دست واردهای اتحاد شوروی" در برابر ناسیونالیسم محلی گرد می آورد

ناسیونالیستها

طرفداران سنتهای روسی دوره امپراطوری و شوروی - در این کرایش اساسا باید طرفداران "دولت گزائی سوسیالیستی" را مد نظر قرار داد. (مراجعه کنید به عنوان نا مرده)؛

ناسیونالیستهای سنت گرای روس - برنا مه: "احیاء" ارزشهای مذهبی و دهقانی (برنا ارتش - های سلطنتی)، درود شمرن تبدیل روسیه به "مستعمره سرمایه های خارجی" (در جمهوریهای غیر روس اتحاد شوروی این ناسیونالیستها به طرفداران دفاع از امپراطوری که سه

اقلیتهای روس مقیم این جمهوریها شلسق دارد و ناسیونالیستهای در سوادای جداسی از روسیه تقسیم میشدند)

شخصیتها: نویسندهگان، الکساندر سولژنیستین، والنتین اسیونین، وایسلی بلف، ویکتور آستافیف سازمانهای اصلی: مجمع محیط زیست با سازمانهای باستانی، جنبشها و گروه - بندیهای با "تختای میهنی"، جنبش با میس (با دیود)، نا می که گروههای گوناگون افراطی ضد یهود و فاشیست ما تند حبه ملی میهنی دیمتری و اسلیف، حبه ضد یهود و ضد فراماسونی روسیه ۰۰ میلیون، گروههای روسی سنیجف، گروههای میهنی سوردلوسک و چلیا بنیسک، گروه موسان در ایرکوتسک، بر سران با هم منازعه میکنند

ناسیونالیستهای غیر روس - برنا مه: خود - مختاری با استقلال، دولتهای دارای حاکمیت ملی که خواهان خارج شدن از اتحاد شوروی و طرفدار ایجاد یک فدراسیون جدید هستند

جنبشهای اصلی: در بسیاری از جمهوریهای فدراسیو و مناطق خود مختار جنبشهای بقیه در صفحه ۱۰

رن و خانواده، وسط جنین در آلمان شرقی آموختن استغاده کرد. ساینده زنان ایرلند بدست به حمایت کلیسای کاتولیک صوبانقلاب راست علیه حقوق زنان حمله کرد و وضع سخت زنان فقیر ایرلند را ایدمار را تشویق نمود. این تظاهرات حرکتی بود علیه قوانین ضدبشری برآلمان، قوانینی که حق باردارشدن و تولید مثل را از انسان منفک کرد.واترا بصورت مستقیم وحسن باوقیعت طبقاتی زنان پیوند میزند. تاوسی که خارجیا را به یانمانداشتن دوازدهمتر مربع برای هر فرزندان داشتن فرزند محروم میکند. درعین حال زنان آلمانی را محکوم به بارداری ناخواسته میکند. اما همانطور که سخنران تاکید کردند، زنان نروئند آلمان هزاران امکان برای خلاصی از بارداری ناخواسته دارند. این قوانین ضدبشری چهره واقعی سرمایه دار ی را عریان وگرایش نژادپرستانه آن برای باطلح حفظ جمعیت آلمانی را افشا میکند.

Weg mit \$218!

Demonstration
Sam - 16. Jul - 8:00 Uhr, 1111
Kulturveranstaltung
Sam - 16. Jul - 8:00 Uhr, 1111

Radioveranstalter:
Prof. Helmut Schmidt, Landes-
Landesminister der Pro Familia
Güter, Günstiger
Verantwortlich der CS-Mittel
Hans Eichel, Günstiger
Kommunikation der CDU/CSU
Prof. Helmut Schmidt
KSP, Günstiger, 1111
Güter, 1111, Teil-Punkt
Theater, Günstiger, 1111
Dr. Hans Thoma, Günstiger
1111, Günstiger, 1111
Hans, 1111

218

Frauen entscheiden selbst!

تظاهرات زنان آلمانی در بن

"اختیار داشتن و نداشتن فرزند به زنان مربوط است نه دولت و نه کلیسا"



به اهتزاز آوردند. اجتناع تا حوالی ۱۶میدانظهرانامه داشت و نمایندگانی از گروههای مختلف زنان در ایرلند، فرانسه، ترکیه، با تشویق و ضمیمت زنان واتراری بقوانین ضد زن در کشورشان، همبستگی خود را با تظاهرکنندگان ابراز داشتند. گروه موسیقی زنان درطول تظاهرات برنماهی اجرا نمود و در زمان هجوم به کلیسا تا قطع صدای ناقوسها، بانواختن مارتی مخصوصی جمعیت معترتی را همکاری میکرد. نکته قابل ذکر شرکت ۷۰۰۰ زن آلمان شرقی در این تظاهرات بود. زن سخنران آلمان دمکراتیک اعلام کرد که میتوان و باید از قوانین جاری درباره

روز شنبه شانزده ژوئن تظاهرات سرتاسری زنان آلمان در میان مونستر شهر بن برگزار شد. در این تظاهرات که بیش از دوازده هزار زن و دهها مرد از گروههای مختلف آلمانی، ترک، ایتالیایی، کسردو ایرانی و... شرکت داشتند، قانون ممنوعیت سقط جنین و بند قانونی مربوط به زنان خارجی مورد اعتراضی تظاهرکنندگان قرار گرفت.

در قانون مربوط به زنان خارجی جدید اضافه شده است که زنانی که خواستار فرزند جدیدی هستند باید دوازده متر مربع جای اضافی در منزل سکونیشان داشته باشند. نتایج این بند از قانون خارجیا و قانون ممنوعیت سقط جنین که در آن زنی حتی به علت عدم امکان مالی قادر به سقط فرزندان نیست، در سخنرانیهایی نمایندگان زنان در تظاهرات منعکس بود. زنان در پلاکاردهایی نظیر: "اختیار داشتن یا نداشتن فرزند به ما زسان مربوط است نه دولت و کلیسا"، "بگذارید دختران ما خودشان تصمیم بگیرند"، "جسم ما متعلق به خودمان است و خودمان حق تصمیم گیری درباره آن داریم"، "از هاسبورگ تا مونیخ قانون ۲۱۸ را بجزر بیکیم"، مخالفت خود را با دو قانون موجود ابراز میداشتند. تظاهرکنندگان از آزادی و اختیار انسانی مردانستن یا نداشتن فرزند دفاع میکردند.

تظاهرات برفض نژادپرستی

سوئدی در خصوص وظایف مردم سوئد پیرامون موضوع نژادپرستی سخنرانی کرد. آنگاه رفیقی از سازمان ما بسه نمایندگی از سازمانهای خارجی، مشکلات وسایل مهاجرین و خارجیها را توضیح داد و مبارزه مشترک برای درخواست سنهای مهاجرین را خواستار شد. تنها سازمان شرکت کننده در این مراسم واحد کونترتیرگ سازمان بود.

بدعت "گروه اقدام بر علیه راسیسم" تظاهراتی برفض نژادپرستی در روز شنبه ۱۶ ژوئن در شهر گوتنبرگ برگزار شد. این تظاهرات با حمایت و شرکت بیش از ۴۰ سازمان و گروه سوئدی خارجی همراه بود. در این تظاهرات بیش از هزار نفر شرکت داشتند. در پایان این مراسم یک سوئدی به نمایندگی از سازمانهای

تظاهرات ضد نژاد پرستی در جنوب سوئد

را ابرایشا، شیلیانها و عربها تشکیل میدادند که تعدادی از آنها مستقیما از کبک آمده بودند. تظاهر کنندگان با عبور از خیابانهای اصلی شهر و نادن شعارهایی در محکو - میت نژادپرستی و در دفاع از حقوق پانهندگان - در یکی از میدانهای شهر تجمع کرده و به سخنرانی نمایندگان سازمانها و تشکلهای برگزار کننده تظاهرات گوش فرا دادند. این تظاهرات یکی از حرکات موفق بوده اخیرا با شرکت خود سوئدیا بر علیه سیاستهای ضد پانهندگی انجام گرفته است.

دری سیاستهای ضد پانهندگی دولت سوئد و حملات اخیر نژاد پرستان به تعدادی از کبکهای پانهندگان، برخی از سازمانها، انجمنها و تشکلهای سوئدی و ایرانی تصمیم گرفتند با انجام تظاهرات اعتراضی مخالفت خود را با اعمال وحشیانه نژادپرستان اسلام دارند. لذا روز شنبه ۹/۶/۹ تظاهراتی بدعت سازمان - نها و انجمنهای مذکور شهر مالمو (جنوب سوئد) انجام گرفت که بیش از ۷۰۰ نفر در آن شرکت داشتند. قیمت اظهار شرکت کنندگان سوئدی بودند و بقیه

تظاهرکنندگان ساعت ۱۱ صبح از خیابان "گرایان دیورفر" بن حرکت کرده و با طی مسیری در میان مونستر بسن اجتماع نمودند. حوالی ساعت ۱۲ که ناظرهای کلیسای میدان مونستر به صدا درآمد، جمع کثیری از تظاهرکنندگان به سوئ کلیسای بن هجوم آوردند. حالیکه صدای ناقوسها در بین فریادهای تظاهرکنندگان کهنه بود. فریاد میزدند: "قطع کبک، قطع کبک" و بدین ترتیب پشتیبانی کلیسا از قانون ۲۱۸ را محکوم میکردند. در پایان این حرکت اعتراضی، تعدادی بادی دک با طرح محکومیت قانون ۲۱۸ را یکی از برتریهای کلیسا

کفرانس سران ناتو

البانی

سران ۱۴ کشور عضو ناتو روز پنجشنبه در لندن اجتماع کردند. این کفرانس سازماندهی جدید ناتو برای قرن بیستم و یکم را طراحی کرد. جرپوش باتاکیدر بر چهار اصل: دیگران تو باشن بصورت سابق روبرو نیستی، سلاحهای متعارف باید کاهش یابند، سلاح اتمی تنها بمنوان آخرین ابزار مکار گرفته شود، کشورهای اروپایی از طریق کفرانس امنیت و همکاری مشترک اروپا (هلمسینگ) به همکاری اقدام کنند، نظریات خود را بیان باره اعلام کرد. او همچنین از گیاهای دعوت کرده که در کفرانس سران ناتو شرکت و سخنرانی کند. هلموت کول گفت نیروهای نظامی آلمان بعد از اتحاد دولتان کاهش خواهند یافت و قرارداد امنیتی مستقر در آلمان در همین سال برچیده شود. اما مارگرت تاچر باتاکیدر ساخت اهداف سابق ناتو، ناخشنودی خود از تغییرات مطرحه، اعلام کرد. علیرغمه تغییرات مطرح شده در این کفرانس، ناتو نشان داند که خواهان برچیده شدن کامل بیونهای نظامی و دادن پاسخ مناسب به درخواست پیمان ورشو نیست. امری که با روند کنونی تحولات در اروپا خواست مردم صلح دوست مطابقت ندارد.

روز ۲ ژوئیه هر روز تعدادی از مردم البانی به سفارتخانه های خارجی در تیرانا هجوم برده و برای گرفتن ویزا و اسان خروج از آن کشور خود را بدخل سفارتخانه ها می رسانند ، تا روز ۶ ژوئیه این تعداد به ۸۰۰ نفر رسید .
حکومت البانی از چندین هفته قبل اقدام به صدور گذرنامه و دادن اجازه خروج به مردم البانی کرده است و بناسه اظهارنامه ات رسمی فرار است به همه مردم گذرنامه دادمشود . اما این اقدام دولت کابه اینکه جبهه دمکراتیک البانی متشکل از نیروهای حزب کمونیست و غیر حزبی ها ، صورت بگیرد ، با مخالفت نیروهای دیون دولت و حزب روبرو بوده است از جمله بیه انو روجه با این اقدامات و تغییر ساختار

عربستان سعودی

مرگ ۴۰ از اثر در مرگه

تول و فشار شدید جمعیت و وحشت و سراسیمگی عمومی آنها اتفاق افتاد. هرساله در مراسم حج بعزت از احترام جمعیت صمات و تلفاتی بوجود میاید اما کشته شدن این تعداد از اثران طی چندین سال اخیر بی سابقه بوده است.

سوم ژوئیه ۱۴۰۰ نفر از اثران مرگ در حین انجام مراسم حج کشته شدند. این عده در مراسم موسوم به «سعی بین منی و عرفات» که جمعیت انبوهی از اثران یک تول ۲ کیلومتری را طی میکنند قتل رسیدند. این واقعه بعد از زمین خوردن حدود هفت نفر از حاجیان در این

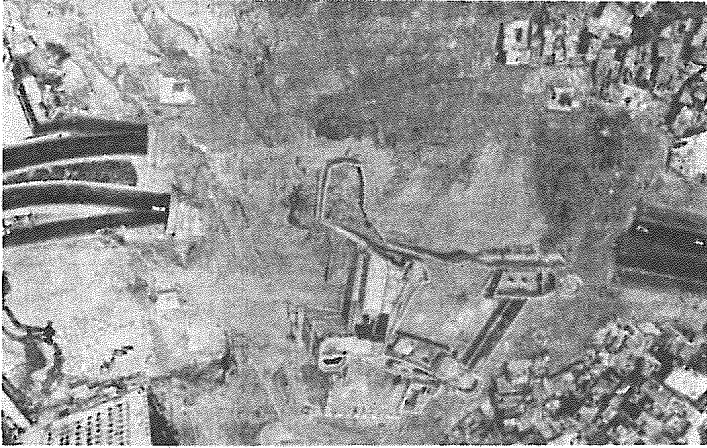
آفریقای جنوبی

اعتصاب سه میلیون کارگر

روز دوم ژوئیه از جانب کنگره ملی آفریقا و کواستو بک اعتصاب عمومی کارگری یکروزه در سراسر آفریقای جنوبی اعلام شد. این اعتصاب جهت اعتراض به کشتار تظاهرکنندگان در شهر «ناتال» صورت میگردد. رهبری کواستو بکنگره ملی آفریقا کشته شد. این اعتصاب برای مقابله با اقدامات خشونت آمیز نیروهای امنیتی و افراد قبیله زولوهری «بوتلزی» علیه مبارزان ضد فاشیست پرستی است. مجمع کنگره ملی آفریقا تصمیم گرفت در صورت عدم خودداری دولت زولوها از اقدامات سرکوبگرانه علیه مردم، از ماه اگوست آینده یک سری اقدامات وسیع تودایی را سازمان دهد. در این اعتصاب یکروزه ۳ میلیون کارگر در سراسر آفریقای جنوبی با ستونیا، منطقه زولوها، شرکت دارند. نلسون ماندلا در پایان سخنرانی خود در انگلیس با تاجز و لقا و ساعت مکاره کرد. او این مکاره را سازنده خواند اما گفت در مورد اذیت تحریم دولت ناپدید شد و جنگ مسلحانه از جانب کنگره ملی آفریقا تا سستیابی به اهداف خود اختلاف نظر داشتند.

استعفای رئیس جمهور بلغارستان

«پیتروملانوف» رئیس جمهور بلغارستان از مقام خود استعفا داد. این واقعه دنبال چندین روز اعتراضی چند صد نفر از نیروهای اپوزیسیون کما هوکان استعفای رئیس جمهور بود. صورت گرفت. نیروهای اپوزیسیون بوسلستان دامن ملی از برخورد نیروهای نظامی بلغارستان در سامرگشتن با اپوزیسیون کما هوکان «ملانوف» این عملیات را هدایت میکرد، اما همگرا در رئیس جمهور سرکوب مخالفان، خواستار استعفای او شدند. روز ژوئیه «ملانوف» اعلام کرد که برای جلوگیری از خشونت شدن وضعیت ترک کشور، از سمت خود استعفا میدهد. یکی از رهبران حزب سوسیالیست بلغارستان اعلام کرد که رئیس جمهور، دیگر نفوذ عمومی لازم برای ادامه وظیفه خود را نداشته و تا قبل حزب حاکم (حزب کمونیست سابق) از برای استعفای رئیس جمهور نشان داد. قابل ذکر است که «پیتروملانوف» که ۱۴ سال وزیر خارجه بلغارستان بوده تا ماه گذشته محوریتن سیاست خارجی کشور بود. رهبران حزب سوسیالیست میگویند تلاش برای تسلیت محیط دمکراتیک بلغارستان را حفظ کنند و استعفای رئیس جمهور در این راستاست.



تول ۲ کیلومتری نزدیک مکه که به تله مرگ زائرین تبدیل شد

در چرخم جنبشهای

ادما ز منحه

آنرا میتوان هم در میان کمونیستهای «مورشی» زمانند بلتسین هم در میان جنبشهای کارگری و نیز ناسیونالیستهای افراطی راست باز یافت.

ناسیونالیستی با بر سره وجود نهاده است. مهمترین آنها عمارتند از جبهه های خلسس استونی، لتونی، لیتوانی، و آذربایجان، ارمنستان، همچنین ساوودیس لیتوانی و جنبش پان ملی ارمنی. جزی سه جریان اصلی زفورمگرا، سوسیالیسم دولتی و ناسیونالیسم) در روسیه شامسد احما سات بوبولیستی ای هشتم، مضمون آن عدالت اجتماعی، مبارزه علیه فساد و مافیاست. کسه

"مهرداد کوکبی" کیست

دوستان گرامی "پیام کارگر" اخیراً یکی از پامال رژیم جمهوری اسلامی در انگلستان بنام "مهرداد کوکبی" بعلمت فعالیت برعلیه "سلمان رشدی" توسط پلیس انگلیس دستگیر شده است. رژیم در مطبوعات خود سرو صدای زیادی در این باره به راه انداخته و سعی دارد مسئله را به این صورت جلوه دهد که این فرد صرفاً دانشجوی بوده و فعالیت فرهنگی در انگلستان نداشته است. از آنجا که فرد مزبور در دستگیری و اعدام بسیاری از دانشجویان هموطنان نقش داشته است و مأموریت ضد انسانی خود را در انگلستان تحت پوشش "فعالیت فرهنگی" ادامه می‌دهد است، لازم می‌دانیم اطلاعات زیر را در مورد او در اختیار نیروهای انقلابی قرار دهیم.

"مهرداد کوکبی" از فارغ التحصیلان رشته نساجی دانشکده ملی تکنیک تهران است. وی در سال ۵۶ بعلمت عضویت در حزب رستاخیز از کتابخانه صنفی دانشکده طرد شده و به فعالیت در مسجد دانشگاه پرداخته است. سپس به عضویت انجمن اسلامی دانشکده درآمده و بعد از انقلاب یکی از عناصر فعال انجمن اسلامی دانشکده بوده است.

بعجاز بسته شدن دانشگاهها و ممنوعیت فعالیت گروههای چپ در گروههای گشت سپاه پاسداران بسه "شکار" نیروهای انقلابی و بویژه دانشجویان چپ ومجا

— همبلی تکنیک تهران مشغول بوده است. وی که در پیکان سفیدی عمدتاً در خیابان آزادی تهران مأموریت داشته و عامل دستگیری، بازجویی، شکنجه و اعدام بسیاری از دانشجویان این دانشگاه بوده است. از جمله رفیق عبدالله (اهل ارومیه) عضو شعبه دانشجویی "راه کارگر" که در سال ۶۰ توسط مهرداد کوکبی شناسایی و اعدام شده است.

مهرداد کوکبی که بعلمت فعالیت تروریستی خود در دانشگاه شناخته شده بود، سپس سمک زیم بسا بورسیه تحصیل در دکتری پلر از ایران خارج میشود. وی در سفر کوتاه خود در سال ۶۲ به ایران مجدداً بعلمد بازگشتی دانشگاه به پلی تکنیک تهران مراجعه کرده تا تعداد باقیمانده از دانشجویان عضو ایوبیوس و شناخته شده را که از تور سپاه پاسداران در امان مانده بودند شناسایی کرده و تحویل دهد. وی از عوامل فعال رژیم است که بعلمت شناخته شدن جنایتهاش در محیط مجبور به تعویض محدوده فعالیت خود شده است.

از آنجا که پیونده شخصی مزبور در دادگاه انگلستان تحت بررسی است، بدینوسیله خبر فوق را جهت اطلاع دوستان سراسر انگلستان لازم میدانیم. چند تن از دانشجویان سابق پلی تکنیک تهران ۹۰/۶/۲۳

شب سعید سلطانیپور

در فرانکفورت



به مناسبت سالگرد شهادت سعید سلطانیپور عضو هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران روز شنبه دوم تیر ماه مراسم بزرگداشتی برای "شهیدای اهل قلم" در شهر فرانکفورت برگزار شد. کانسون نویسندگان ایران "در تبعید" این مراسم را با همکاری یک تشکل فرهنگی آلمانی و یک تشکل دانشجویی آلمانی برگزار نمود. مراسم با اعلام یک دقیقه سکوت در سوگ قربانیان زلزله اخیر آغاز شد.

پس از خواندن پیام کانون نویسندگان ایران "در تبعید" و اجرای ۳ ترانه سرود ساخته سعید سلطانیپور، فیلم مستند شب بعجاز انقلاب، ساخته رضا علامه زاده نمایش گذاشته شد. نسیم خاکسار سعید یوسف و شفق، اعضای کانون نویسندگان در تبعید، درباره سعید سلطانیپور سخنرانی کردند و در پایان پیرامون فعالیتها هنری و ادبی سعید سلطانیپور بحث و گفتگو شد.

یادی از میرزاده...

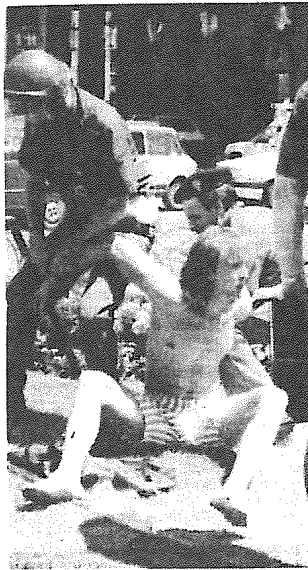
ادما ز منحه

اگرچه دیکتاتورهای وادارسی ویکالی کشتند آل و آرزوی شاعر برای انقلابی توندای، قهرآمیز و هائی بخش برآورده نشد، اما او که مدخواست دیباچه انقلاب ادبیات باشد، امروز نیز زنده است. یارونه شهیدانیه آن کتاب بلکه فصل بزرگی از آن است و باکشت او این کتاب هم چنان ورق خوردن برآن فصل ها نوشتندویس از او مناصف اول این کتاب بود.

بیسار از شاعر، نیز شاعران را کشتند. لب های فرخی بردی را دو حوضد با شکمهای هولبار او را کشتند. سعید سلطانیپور راه صلح کشانیده و شاعر شورشی و شیدارا تریباران کردند، اما شاعران را مزاری نیست، چونان هزار هزار شهید خلق که مرزبان سمنهای تاشفغان است و شمرزبان زرمهای نمه شبان!

محمود ایرانی

چهره زشت جام جهانی فوتبال

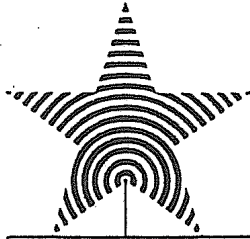


بعجاز بازیهای نیمه نهائی جام جهانی که در آن آلمان و آرژانتین به فینال رسیدند انگلیس و ایالتیابازنده شدند چهره این جام با وقایعات اوباشگرانه طرفداران این تیمها زشت شده و این بازیها از هدف اصلی خود دور شدند. فوتبال بعنوان یکی از پدیدههای فرهنگ انسانی که گسترده ترین نفوذ را دارد و میتوانیم بعنوان یک رابطه قوی، همانسانها وطل را بهم نزدیکتر کند، در سیستم جاری و کنونی سلسله بر دنیا، به زشتترین وجهی مورد سواستفاده قرار میگردد.

بعجاز بازی آلمان و انگلیس، موج زخوبخوردن حمله طرفداران این دو تیم نه تنها شهروندان ایالتیابا، محصل برگزاری مسابقه، که دوکتور منگور راهم فراگرفت. طی حمله اوباش انگلیس جنوب این کشور، یک مرد ۲۲ ساله انگلیسی کشته شد. ۱۵۰۰ دانشجوی آلمانی یک مدرسه زبان در برایتون انگلیس مورد حمله قرار گرفتند و استادان کلاس نیروهای پلیس بسختی جان بدر بردند. اوتوبیلیهای آلمانی ۲۹ شهر انگلیس در آنجا لیلیابودیدند. حمله فراگرفت یک جوان آلمانی جنساعت قبل از مسابقه توسط چهار انگلیسی بسخت زخمی شد. بعجاز این بازی انگلیس طرفداران تیم آلمان وسعت گرفت. در هامبورگ ۲۰۰ نفره طرف خیابان هانن که محل تظاهرات نیروهای ضد حکومتی "انترنوم" بود حمله بردند تا تظاهرکنندگان را بکشد. روحیه زشت ناسیونالیستی و حمله به دیگران زمینه بهره برداری سرمایه داری هارشدانست. در ایستگاه راه آهن نورتین بین انگلیس و ایالتیابا، گروهی شیددی روی تانک تهاجمک از کشت آویزاتوم فروشتند. ایالتیابا کوشی میخواستند تا نام قتل ۲۱ ایالتیابی که در سال ۱۹۸۵ در بروکلین با یک نهائی جام اروپایی "بیونتیوس توریس" و "اف ست لیورپول" اتفاق افتاد را از انگلیسیها بکنند. این خونخواهی افسارگسیخته که نشانه پست ترین

روحیات و ولایت سی فرهنگی مطلق است، آنچه بطور خود انگیخته و احساسی بروز میکند، ما همین ترتیب زخمی کرد. سیستم تبلیغاتی و بهره برداری سیاسی اقتصادی از هر پدیده از حمله از فوتبال آن بستری است که به زشت گسترش این روحیات صدام میدهد و همین حال از آن بهره برداری بیشتر می کند.

رژیم جنبشهای سیاسی



صدای کارگر

راهبردی سازمان کلنگران لنگرهای این روزه برای

برنامه های سراسری صدای کارگر:

هر شب ساعت ۸/۵ روی موج کوتا سه

ردیف ۷۵ متربا بر با ۴ مگهرت پخش می شود

این برنامه ساعت ۶/۵ صبح روز بعد تکرار

میگردد

جمعه ها برنامه ویژه پخش می شود

برنامه های صدای کارگر ویژه گریستان:

پروژه های شبانه، دوشنبه و چهارشنبه ساعت

۶ بعد از ظهر به زبان کردی و فارسی روی موج

کوتاه ردیف ۷۵ متربا بر با ۴ مگهرت پخش

می شود

شنبه و پنجشنبه ساعت ۶ تکرار میگردد

جمعه ها ساعت ۹ صبح برنامه ویژه

پخش می شود

این برنامه ساعت ۶ بعد از ظهر

جمعه تکرار می شود

Postfach 650226

1 BERLIN 65

Postfach 1124

5200 Siegburg 1

W. Germany

شده ، آنها در بین مهاجران در آلمان غربی و رادیو آزادی (مونسخ) دارای نفوذ هستند و امروزه از دمکراسی نوع غربی طرفدار می کنند

سویال دمکراتها - برنامه : با رگشت به سنت متئوبیکی، رویای بسک مدل "سوشدی" ه سازمانهای اصلی: مجمع سویال - دمکراتهای اوکل رمیا نشف ، احزاب سویال دمکرات تاسیس شده در گرجستان و کشورهای بالتی که

دمکراتهای مسیحی - برنامه : دمکراسی ، بازار ، همبستگی ، ارزشهای معنوی سازمانهای اصلی

احزاب واتحادیه های سویال مسیحی در روسیه ، اوکراین ، گرجستان و کشورهای بالتی که

چی سویال لیست - برنامه : آری به خودگردانی و دمکراسی ، نه به لیبرالیسم توجسخته

سازمانهای اصلی: کمیته سویال لیستهای

بقیه در صفحه ۸

لوموند دیپلماتیک

آوریل ۱۹۹۰

شخصیتها: باگور کالمیا مکین ، آندرانیک میکرانیان (آنها طرفدار کمی دارند ، نقطه نظر آنها در میان تکنوکراسی غربگرا دارا ی نفوذ است

جنبشهای دمکراتیک غیر رسمی - برنامه : دمکراسی ، خوداداری ، محیط زیست ، بازار ، حق ملل در تعیین سرنوشت ، در عرصه احزاب : جبهه های خلق مسکو ، لنیننگراد ، بیاروسلا ، جلیسا - سینک ، اورال و هه (این جنبشها در طی سه ماهه تحت مجمع بین منطقه ای سازمانها و جنبشهای دمکراتیک بهم پیوسته اند)

سیرها - اولویت محیط زیست ، حمایت از رفورم و همچنین از ناسیونالیسم سنتگرا در روسیه و جمهوریها با عضا آنها در میان جبهه های خلق دارای نفوذ هستند ، زمین سازمانهای متعدد "سبز" ؛ اتحادیه محیط زیست ، اتحادیه اجتماعی محیط زیست ، انجمن بان سوتینیک محیط زیست ، کمیته نجات ولگا ، ایپی سنتر (لنیننگراد) ، احزاب سبز ارمنستان و جمهوری های بالتییک ، جنبش دهسته ای نوادا - مسیبا - لامینسک در کاراخستان ، اکولوگ (در قزلب - ستان) ، مجمع دفاع از دریای آرال ، دریاچه سوان (ارمنستان) و هه

جنبشهای کارگری طرفدار رفورم - برنامه : خودمختاری و خوداداری ، بنگاهها ، سندیکا لیسم مستقل ، انصار حزب کمونیست در عرصه احزاب ، اتحادیه بین منطقه ای کمیته های اعضاء ؛ بگور باس ، دون باس ، ورگونا ، کارا - گاندا (هه) ، سندیکای (رسمی) ، مجمع سندیکا های سویالیست

جنبش "پادسود" - این مجمع که در سلسلات برتر افگندن سر زورهای استالینی جمع - آوری منابع برای ساختن بناها و موزه های یادبود قربانیان استالین است یکی از مراکز فعال در سیاست ساختن فضا در سراسر کشور است

سازمانهای تندرو و مدمکونیست - برنامه : تخاصم رژیمه علیه گریماچف ، بایکسوت انتخابات ، برنگونی (سالعت آمیز) رژیم سازمانهای اصلی: اتحادیه دمکراتیک (مست) گیری اما اسالیبرال ، این اتحادیه همچنین در برگیرنده گریماچف سویال - دمکرات "کونیستهای - دمکرات" آزادخواه است ، مورتنسدهایی که مدعی لیبرالیسم هستند ، با برظهور مجدد یک حزب (مترظفه خواه - دمکرات) در آرنده ، آنها سر بابه گزیه های منزلت شیروندی شکل گرفته اند ، اتحادیه سه مردمی کار که از وارشین سولید - ارتیشتها ، همکاران گذشته نارینبا تشکیل

توضیح : در جم و خم جنبشهای سیاسی ، نوشته ای است از ژان ماری شویه که در آن به اختصار به جریانات مهم سیاسی که در جریان کلانوسوت و سیاست دمکراتیزاسیون در شوروی بوجود آمده اشاره نموده است شویه مولف کتابی است بنام "اتحاد شوروی : جامعه ای در حال حرکت" که توسط انتشارات آتسه در سال ۱۹۸۸ بجا برسیده است ه نوشته حاضر که در "لوموند دیپلماتیک" شماره آوریل ۱۹۹۰ بجا برسیده است ، علیرغم تغییرات زیادی که در چند مدت اخیر در گروه بندیهای سیاسی بوجود آمده و ار این نظر بعضی از واقیتهای جاری گروهبندیها را نشان نمیدهد ، اما گماکان سلحاظ دارا بودن اطلاعات مفیدی در این باره واجد اهمیت است و بنظر خوانندگان میرسد

نیروهای طرفدار رفورم گریماچفیها - برنامه : برای یک سویالیسم انسانی و دمکراتیک شخصیتها : میخائیل گریماچف ، الکساندر نیرا کولف ، آندره گراچف ، لئونید آتالکین ، نیکلای پتراکف ، آیل آقا سنیگان ، نفوذور بورتانکی ، الکساندر بویسن وینالی کوروتیچ (این گروه رهبری کننده رفورماتور در حزب کمونیست است) پلاتفرم دمکراتیک - برنامه : برادیکالیزه نمودن رفورمها ، دمکراتیزه نمودن حزب کمونیست ، رها کردن مارکسیسم لنینیسم ، بنیادگذاری یک حزب جدید ه شخصیتها : بوریس بلتسین ، بوری آفاناسیف ، آنا تولوی سوتیچاک (این "گرایشی" در داخل حزب کمونیست است که در ژانویه ۱۹۹۰ به ابتکار کلبوب "کونیستهای دمکرات" ایجاد شده است) رفورماتوره های رادیکال - (گروه بین منطقه ای لنگره شما سنیگان (خلق) برنامه : بازار ، غربگرای با رلمانی ، سیاست نوین اجتماعی ، سبزی دمکراتیزاسیون نوع غربی ("غرب گریبان") شخصیتها : اقتصاددانان گاوریل بویوف ، سنکلا ی شملیف (دارای لیبرالترین نرها) ، خانسسم تاشیان (ارایلاسلکابا (استراژی - ضما غمی بروسنریکا) ، آندره ساخارف عضو این گروه بوده (آنها تیرسون مسکو را اتحاد نموده اند که محل تلافی گریماچف تونگاون دمکراتیک تبدیل شده است ، این گروه از یک جریان کما سبیش لیبرال و یک جریان کما سبیش سویال - دمکرات تشکیل شده است) رفورماتوره های استبدادگرا - برنامه : "سجده آهنین" (تقد: دیکتاتوری گریماچف) برای واقعیت وجودی بخشین به انتقال لیبرال